بازخوانی ابعاد و مؤلفه‌های فضای شهری بی‌زمان مبتنی بر روش نظریه‌پردازی داده بنیاد متنی*

سارا محمودیان مصلح**، زهرا سادات سعیده زرآبادی***، منوچهر طبیبیان****، فرح حبیب*****

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۳/۵
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۷/۲۸

چکیده

امروزه فضاهای شهری هم به لحاظ کالبدی و عملکردی و هم معنایی دستخوش تحولات فراوانی شده‌اند. بسیاری از فضاهای شهری ساخته شده در دهه های معاصر تنها در یک مقطع زمانی مورد پذیرش کاربران قرار گرفته‌اند و به بی زمانی و جاودانگی راه نمی‌برند و نمی توانند در اندیشه و ذهن مخاطب نقش بسته و به خاطرات جمعی و فرهنگ و هویت یک ملت بپیوندد؛ با این حال ایجاد الگویی مناسب حاصل از مطالعه و بررسی در راستای چگونگی دستیابی به این فضا، فضایی که از دوران خود فراتر رفته و مدت ها پس از ایجادش، جذاب، کاربردی و الهام‌بخش باقی بمانند احساس می‌شود. مقاله حاضر، با هدف تدوین اصول و معیارهای فضاهای شهری بی زمان در صدد ایجاد فضایی است که تجربه بشری را افزایش داده و در برابر زمان‌های در حال تغییر و خواسته‌های اجتماعی پایدار بماند. بدین منظور در مقاله حاضر، از طریق روش نظریه پردازی داده بنیاد متنی و طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی به شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های این فضا در قالب یک الگوی کدگذاری و نگارش روابط آنها با یکدیگر، پرداخته شده است. نتایج این پژوهش مبین آن است فضای شهری بی زمان حاصل نگاهی کل‌نگر از جنبه های معنایی، کالبدی، فرهنگی و اجتماعی، ادراکی، اقتصادی، سیاسی و زمان است. که در این میان بعد معنایی با در برگرفتن مولفه‌هایی چون تداوم، هویت، حس مکان، حس تعلق، حافظه جمعی دارای بیشترین تاثیر در شگل گیری این فضاها می‌باشد و در میان مولفه‌های اشاره شده مولفهٔ تداوم و هویت اثرگذاری بسزایی در ماندگاری و تداوم ذهنی معنای مکان دارند و می‌توان با بهره گیری از این ابعاد و مولفه‌ها به عنوان الگوی جدیدی از خلق فضاهای شهری بی زمان مبتنی بر ماندگاری هم در بعد کالبد و هم در اندیشه و ذهن مخاطب دست یافت.

واژگان کلیدی

فضای شهری، تداوم، ماندگاری، بی‌زمانی، نظریه‌پردازی داده بنیاد.

* این مقاله برگرفته از رسالهٔ دکتری سارا محمودیان مصلح با عنوان «تبیین ابعاد مولفه ها و معیارهای فضای شهری بی زمان (نمونه موردی میدان نقش جهان اصفهان)» به راهنمایی دکتر «زهرا سادات سعیده زرآبادی» و«منوچهر طبیبیان» و مشاورهٔ «دکتر فرح حبیب» در گروه شهرسازی، دانشکدهٔ عمران، هنر و معماری، واحد علوم وتحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی به انجام رسیده است.

** دانشجوی دکتری، گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
*** دانشیار، گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) z.zarabadi@srbiau.ac.ir
**** استاد، گروه شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران. tabibian@ut.ac.ir
***** استاد، گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. F.habib@srbiau.ac.ir

مقاله پژوهشی- مورد پژوهی
©: IAUH
ISSN: 2322-5602

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61882/hafthesar.14.52.53]

مقدمه

امروزه بیش از پیش تغییراتی که به زندگی شهرها مربوط می‌شود، به هم پیوسته و به سرعت به وجود می‌آیند(Laurìa et al.,2021). به دنبال این تغییرات، فضاهای عمومی شهری نیز دستخوش تحولاتی گردیده‌اند (Madanipour et al.,2013). کیفیت پایین فضای شهری، تصویر ذهنی شهر را نیز تغییر داده و اثرات منفی محیطی و اجتماعی را نیز در پی داشته است (Rembeza & Sas Bojarska,2022). تضعیف ماهیت مکان در سکونتگاه‌های نوظهور شهری، به دلیل عدم پیشینه تاریخی، هویتی و وجودی، نمود پررنگ‌تری دارد و این ضعف در ریشه‌ها و پیوندهای معنادار که تعاملات اجتماعی ساکنان را بهبود و سبب ارتقای حس مکان و تعلق خاطر به محل زندگی شود مشهود است (اسلامی و شاهیوندی، ۱۴۰۲). حافظهٔ جمعی سهم بسزایی در انتقال ارزش‌های فرهنگی حاکم بر جامعه و تداوم آن دارند(Motalebi& Sedaghati, 2020). تهی شدن شهر از خاطره یک خلا می‌باشد که باگسترش این خلأ در گذر زمان، تکه تکه شدن و عدم امکان حل شدن در فضا به وجود می‌آید و بالعکس با انباشت خاطرات شهری، بی زمانی به چشم می‌خورد. مکان‌های خاطره‌مند، دارای وحدت و شکل‌گیری انتزاعی هستند که با درگیری ادراکات چندگانه پابرجا می‌مانند و با ذکر مناسک و به عبارتی معنای نمادین، تجربی و کارکردی به فضا و زمانی دیگر منتقل می‌شوند. در همان زمان، حافظه شهری شروع به حفظ تداوم خود می‌کند(Gürleyen, 2018). به رسمیت شناختن و میانجی‌گری خاطرات تاریخی مشترک در سیاست‌های ایجاد فضاهای پایدار ضروری است(Feola et al.,2023). پدیده های ماندگار در طول زمان می مانند و بار می‌گیرند و به بخشی از خاطرات جمعی تبدیل می شوند. به این ترتیب توجه به این پدیده ها در طراحی فضا باعث افزایش حس تعلق به فضا می‌شود، در این حالت فضا از زمان دیگری غیر از زمان حال برخوردار می‌گردد(نقره کار و همکاران، ۱۳۸۸). ماندگاری، بیان نوعی تداوم تاریخی و به دنبال آن تداوم فرهنگی است. پدیده جاودان، یک پدیده تکامل یافته است و توانسته در طول زمان علیرغم همه تحولات پیرامون بماند(نقره کار و همکاران، ۱۳۸۸). ماندگاری در مفهوم زمان نهفته است و بیانگر تغییر محیط ساخته شده برای انطباق با نیازها، شیوه‌ها و ایدئولوژی‌های در حال تحول جوامع می‌باشد(Lesiège,2023). هاموچه استدلال می‌کند که اهمیت ماندگاری از خاطرات مکان و میراث ملموس ناشی می‌شود(Hamouche, 2013). الیسون استرن تجربیات جمعی و فردی در مکان را باعث ماندگاری فضاها می‌داند (Stern, 2017). پالاسما نیزاستفاده ازعناصر طبیعی را ازعوامل موثر بر ماندگاری فضاها برمی‌شمارد (Pallasmaa, 2016). مویدی و همکاران معتقداند مناسک و مراسم آیینی باعث تداوم بقای مکان می‌شود(Moayedi et al.,2015). ادعای مطرح شده توسط ایم سیک چو و همکارانش بر این است که در فضاهای ماندگار هویت شهری و انسجام اجتماعی شکل می‌گیرد(Cho et al.,2015). طراحان و برنامه ریزان مسئول طراحی راه هایی هستند که تجربیات مشترک گذشته را به یاد آورند و بیان ملموسی از خاطرات مشترک و جمعی ایجاد کنند. فضاهایی که افراد بتوانند بیایند و غم خود را با دیگران در میان بگذارند یا در لحظه ای دیگر در زمان جشن بگیرند، فضاها با ایجاد محیطی برای تأمل و شفا، لحظات مهمی را در گذشته نشان می‌دهند و در عین حال مسیری رو به جلو را نیز ارائه می‌دهند(Upadhyaya, 2022). در این زمینه، چالش مطالعهٔ حاضر در این رابطه نهفته است که امروزه، بسیاری از فضاهای شهری به عنوان مکان های اجتماعی به دلایل بی شماری پویایی عملکردی آنها مختل و ماهیت اصلی آنها به دست فراموشی سپرده شده است. فضاهایی با ترکیبات اجتماعی– فضایی جدید که نه در حال حاضر و نه در آینده جایگاهی در نظر مخاطبان خود ندارند. با توجه به مطالب فوق، هدف اصلی این مقاله با طرح این سوال اصلی مطرح شده است که چگونه فضای شهری بی زمان می‌توانند در راستای ماندگاری فضای شهری گام بردارد؟ در این پژوهش مفهوم بی زمانی متضمن مواجهه با ماندگاری آرمانی است که تحت تأثیر شکنندگی ذاتی و موقتی زندگی قرار نگرفته است(Pallasmaa, 2016). در خصوص پرداختن به موضوع فوق واکاوی ابعاد و مولفه‌های فضای شهری بی زمان در جهت شناسایی ظرفیت‌های آن ضروری به نظر می‌رسد. از این سو مفهوم فضای شهری بی زمان مورد بررسی قرار خواهد گرفت تا بتوان به چارچوب جامعی از این مفهوم به عنوان پیشنهادی در جهت ماندگاری و جاودانگی فضاهای شهری عمل کند. تاکنون پژوهشی به طور خاص در راستای مفهوم بی‌زمانی فضای شهری صورت نگرفته است. بررسی پژوهش های مرتبط می‌تواند در شناخت مفهوم مورد نظر این پژوهش راهگشا باشد. بی زمانی با واژه هایی چون مانایی، ماندگاری، نامیرایی، تداوم وجاودانگی در ارتباط است. از جمله مطالعاتی که با موضوع مورد مطالعه همپوشانی داشته می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: در پژوهش‌های خارجی کریمی در سال ۲۰۰۰ در پژوهش خود روح فضایی را از عوامل حفظ تداوم در فضاهای شهری می‌داند (Karimi, 2000). بلیک و اسمیت نیز در همان سال در مقاله ای به اهمیت مولفه‌های بصری و نقش آنها در تعریف هویت فرهنگی که به ماندگاری کلیساها کمک می‌کند پرداخته‌اند و تاکید می‌کنند که ماندگاری یک شرایط در حال تحول است که تحت تأثیر روابط چند فرهنگی است و در طول زمان در معرض بازنمایی‌های جدید قرار می‌گیرد (Blake & Smith,2000). درت در سال ۲۰۰۳ در پژوهش خود بیان می‌کند جشنواره ها و رویدادها می‌توانند برای جوامع جهت دهی کنند. آنها «زمان حال» را فراهم می‌کنند و دستی بر گذشته می‌کشند و فرصت‌هایی را برای حدس و گمان در مورد آینده ارائه می‌دهند. جشنواره‌های مبتنی بر فرهنگ جامعه، با خود در مرکز جامعه

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61882/hafthesar.14.52.53]

مصرف‌کننده مدرن، موضوعات، هویت، بیگانگی و فرهنگ را به هم پیوند می‌دهند (Derrett, 2003). یوئن در سال ۲۰۰۵ در پژوهش خود به نقش هویت مکان در ایجاد حس ثبات و تداوم و ساخت و حفظ هویت می‌پردازد ساختمان‌های قدیمی را عامل انتقال حس تاریخ و ماندگاری می‌داند (Yuen, 2005). در سال ۲۰۱۲ میهایلا ضرورت تداوم گذشته در زمان حال و بازنمایی خاطرات را از عوامل ماندگاری عنوان می‌کند (Mihaila, 2012). لوییکا در سال ۲۰۰۸ در پژوهشی اذعان دارد افراد وابسته به یک مکان نسبت به افرادی که پیوندهای عاطفی کمتری دارند، علاقه بیشتری به گذشته آن مکان و ریشه‌های خود نشان می‌دهند (Lewicka, 2008). مولا تداعی حافظه را در ایجاد حس مکان بسیار مهم می‌داند و این عامل را موجب تداوم تثبیت کننده مکان به عنوان ظرفی از تجربیات برمی‌شمارد (Mowla, 2004). هموچه بیان می‌کند ماندگاری از خاطرات مکان و میراث ملموس در فضا سرچشمه می‌گیرد. این مفاهیم با عناصر فیزیکی بادوامی که خاطرات زندگی نسل‌های متوالی را در بر گرفته، در هم تنیده شده‌اند (Hamouche, 2013). مویدی و همکاران نیزدر مقاله خود به اهمیت مراسم آیینی در تداوم بقای مکان اشاره می‌کنند و احساس تعلق و دلبستگی به مکان را از عوامل مهم ارزیابی انسان از محیط و ایجاد کیفیت و ماندگاری برمی‌شمارند (Moayedi et al, 2015). کرمونا اذعان دارد فضاهای عمومی با کیفیت بالا، مزایای اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی عظیمی را به جوامع خود ارائه می‌دهند (Carmona, 2019). چو و همکارانش نیز در پژوهش خود بیان می‌کنند در فضاهای ماندگار است که هویت شهری و انسجام اجتماعی شکل می‌گیرد و تاب آوری یک شهر آزمایش می‌شود و در دسترس بودن را از ویژگی‌های مکان‌های ماندگار عنوان می‌کنند (Cho et al., 2015). کرمونا نیز در پژوهشی بیان می‌کند فضاهای عمومی باید به گونه ای طراحی شوند که دعوت‌کننده و از نظر بصری و فیزیکی قابل دسترسی باشند (Carmona, 2019). در سال ۲۰۱۵ کیم در مقاله خود، ارتباط بین گذشته، حال و آینده را در فضا بررسی می‌کند و بر نقش معماری در پیوند فضاها و زمان و اهمیت تداوم فرم در طراحی تاکید کرده، هم از نظر اشکال ماده ادراک شده توسط حواس و هم از نظر اشکال فضایی تجربه شده از طریق حرکت(Kim, 2015). کرمونا حمایت از پیدایش مکان‌های جدید به‌گونه‌ای که جزئی، یا تکه‌تکه نباشند، بلکه یکپارچه و منسجم باشند و آنچه را ازکریستوفر به عنوان "کلیت" معروف است به نمایش بگذارد را مکانی پایدار، فراگیر و رضایت بخش معرفی می‌کند (Carmona, 2009). پالاسما در سال ۲۰۱۶ استفاده از عنصر آب را از عوامل موثر بر ماندگاری بر می‌شمارد(Pallasmaa, 2016). الیسون استرن در سال ۲۰۱۷ رساله خود نقش تجربیات را در شکل گیری فضاهای مانا و هویت مکان بیان می‌کند و تجربیات جمعی و فردی در مکان را باعث ماندگاری فضاها می‌داند و از اماکن مذهبی و مقدس که موجب شکل گیری تجربیاتی قدرتمند در افراد می‌گردد به عنوان پادزهری در میان فضاهای شهری بی ثبات و مبهم معاصر نام می‌برد و با بررسی معیارهای هویت به پایداری، پیوستگی و ماندگاری فضاهای شهری اشاره می‌کند (Stern, 2017). بوسا ۲۰۱۷ در مقاله‌ای به نقش مراکز شهری تاریخی در تقویت هویت مکان، حافظه و حس تعلق اشاره می‌کند و حفاظت از میراث ساخته شده وارزش‌های آن را برای حفظ تداوم قوی با گذشته بسیار مهم می‌داند (Boussaa, 2017). گورلین در مقاله خود مکان‌هایی که خاطره انگیز می‌باشند را دارای وحدت و شکل‌گیری انتزاعی معرفی می‌کند که با ادراکات چندبخشی پابرجا می‌مانند و با ذکر مناسک و به‌عبارتی معنای نمادین، تجربی وکارکردی به فضا وزمانی دیگر منتقل می‌شوند (Gürleyen, 2018). حسینی و همکاران در مقاله ی خود هویت مکان را به عنوان مجموعه ویژگی هایی که تمایز و تداوم مکان را در طول زمان ممکن می‌سازد بیان می‌کنند و پایداری اجتماعی شهری را به عنوان «توانایی مستمر یک شهر برای عمل به عنوان یک محیط بلندمدت و پایدار برای ارتباطات، تعامل و پیشرفت فرهنگی مردم» توصیف می‌نمایند(Hussein et al., 2020). استپانچوک و همکاران ۲۰۲۱ در مقاله‌ی خود به نقش جشنواره سازی (رویدادی) در ایجاد پایداری فضا اشاره می‌کند(Stepanchuk et al., 2021). گامبا و کاتاکین در تحقیق خود بر اهمیت آیین‌های عمومی در پرورش حس تعلق و امکان مشارکت عاطفی شرکت‌کنندگان تأکید می‌کنند (Gamba & Cattacin, 2021). لسیژ درتحقیق خود نیاز به فراتر رفتن از دوام فیزیکی و در نظر گرفتن پیوستگی زمان، دگرگونی‌ها و شرایط فضایی را در مفهوم‌سازی و انتقال ماندگاری در معماری برجسته می‌کند(Lesiège, 2023). شی در مقاله خود استدلال می‌کند که مناظر فرهنگی می‌توانند با حفاظت یا استقرار مجدد عناصر و ساختارهای آبی، ماندگاری را به توسعه شهری ارائه دهند(Xie, 2022). فئولا در سال ۲۰۲۳ در پژوهشی استدلال می‌کند که خاطرات جمعی و تأثیر آن‌ها بر چشم‌اندازهای آینده از جنبه‌های حیاتی سیاست قاب‌بندی مکان هستند و نیاز بر تصدیق و مذاکره با خاطرات گذشته و چشم‌اندازهای آینده در انتقال پایداری و تحول تأکید می‌کنند(Feola et al., 2023). جیائو و همکاران به بررسی ارتباط تداوم فرهنگی و تداوم فضایی پرداخته‌اند و بیان می‌کنند تداوم ویژگی‌های فرهنگی در تداوم بلوک و ویژگی‌های فضایی معماری تجسم می‌یابد، در حالی که دگرگونی فرهنگی و عوامل اجتماعی انسان‌ساخته بر تغییرات شکل‌های فضایی تأثیر می‌گذارد(Jiao et al., 2023). در پژوهش‌های داخلی درفشی۱۳۸۶، در مقاله‌ای به کشف و گردآوری عوامل جاودانگی مناظر شهری پرداخته است وی در این پژوهش جاودانگی منظر را در سه سطح ماندگاری ذهنی منظر، حس تعلق و بازگشت مخاطب به منظر و کیفیت بی نام آن و نیز مطرح شدن به صورت الگوی فرهنگی یک قوم بررسی نموده است (درفشی،۱۳۸۶).

در همان سال پور جعفر در مقاله‌ای حضور عنصر معنویت را عاملی برای جاودانگی در نظر گرفته است. در نظر وی این ریشه‌ها و پایه‌های معنوی و

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61882/hafthesar.14.52.53]

روحانی هستند که منجر به جاودانگی محیط شهری و هر شکلی از سکونت انسانی می‌شوند(پور جعفر،۱۳۸۶). در سال ۱۳۸۸ نقره کار و همکاران، در پژوهشی لزوم جاودانگی یک اثر را در توجه همزمان به تمام ابعاد انسانی مطرح در حوزه معماری چون انسان، هنرمند، جامعه، تاریخ، طبیعت و خداوند می‌دانند و تداوم حضور معنا در کنار کالبد بنای تاریخی را معادل با جاودانگی در نظر گرفته‌اند (نقره کار و همکاران، ۱۳۸۸). در سال ۱۳۹۰ شعاعی، در رساله خود پشتوانه های فرهنگی، پشتوانه‌های دینی و ارزشی و پشتوانه‌های حکومتی و همچنین کاراکترهای طبیعی، معنوی، انسانی حسینه‌ها را از عوامل ماندگاری حسینه‌ها برمی‌شمارد (شعاعی،۱۳۹۰). شفیعیان داریانی و همکاران در سال ۱۳۹۳، در مطالعهٔ خود مفهوم ماندگاری در معماری اسلامی و مقایسهٔ آن با مفهوم پایداری در معماری معاصر را مورد بررسی قرار داده اند. نتایج تحقیق بر این مهم استوار است که تفاوت اساسی معماری ماندگار و پایدار در وجود عنصر معنی و معنویت است (شفیعیان داریانی و همکاران، ۱۳۹۳). اساسی نیزدر رساله خود در سال ۱۳۹۶ به بررسی عوامل موثر در ماندگاری بوستان‌های شهری بخصوص معیار حس تعلق پرداخته است (اساسی، ۱۳۹۶). حسنی نیز در همان سال، در رسالهٔ خود با هدف کشف مولفه های تاثیرگذار بر شکل گیری حس خاطره جمعی شهری مانایی فضای شهری را نتیجه ی خاطره انگیزی فضا و عوامل وابسته به آن پنداشته است (حسنی، ۱۳۹۶). در سال ۱۳۹۷خاتمی در رساله خود به بررسی تاثیر رویدادهای شهری بر تغییر فرم فضای شهری و تصویر ذهنی افراد از آن و نقش رویداد در دگردیسی و ماندگاری آن فضاها ی شهری پرداخته است (خاتمی، ۱۳۹۷). مغربی در سال ۱۳۹۸ در رساله خود «نظریه پدیدارشناسی مکان نوربرگ–شولتز» را ارتقا و تعمیق می‌بخشد و مفهوم ماندگاری را در کنار مفاهیم شناسایی و جهت یابی به عنوان سومین خصلت مکان مطرح می‌کند (مغربی، ۱۳۹۷). خالقیان و صالحی در سال ۱۳۹۸ در مقاله ای بقای کالبد را در گرو استفاده ی عملکردی متداوم از بنا و شرط زنده بودن معماری را پاسخ به نیازهای روز جامعه می‌دانند و تداوم کارکرد را یکی از اصول ماندگاری بافت تاریخی برشمرده‌اند (خالقیان و صالحی، ۱۳۹۲). امیدیان و همکاران نیز در پژوهش خود بیشترین اثرگذاری در راستای تغییر کارکردهای اجتماعی فضاهای شهری را مربوط به عدم شکل‌گیری مناسب ارتباط بین اقتصاد، اجتماع و حکومت، عدم انسجام و ارتباط مناسب بین ابعاد و عناصر اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی، عملکردی و کالبدی در طراحی فضاهای شهری می‌دانند (امیدیان و همکاران، ۱۴۰۲). در ادامهٔ بررسی ها تنها پژوهش داخلی که در آن صراحتا از فضای بی‌زمان شهری نامبرده شده است در مقالهٔ دکتر گلکار تحت عنوان «مؤلفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری» است که در آن با بیان نظریه آلدورسی به تعریف فضای شهری بی زمان پرداخته است. آلدوروسی در کتاب «معماری شهر» بر اصالت فرم ها و نقش تعیین‌کننده آنها در خلق کیفیت های محیطی(مستقل از عملکرد آنها) می‌پردازد؛ از نظر وی برخی از «فرم»ها به شکل ذاتی واجد کیفیت هایی هستند که «بی‌زمان (timeless)» بوده و قادرند با پذیرفتن عملکردهای گوناگون در عصرهای مختلف تداوم تاریخی یابند. با بررسی های انجام شده در مطالعاتی که در رابطه با این موضوع در منابع موجود است، بیشتر تحقیقات بر روی ماندگاری آثار معماری تمرکز داشته و بیشتر در راستای تعریف جاودانگی، توصیف، تحلیل و نقد آثار ماندگار و گذشته معماری است و پژوهش‌های اندکی به چگونگی دستیابی به ماندگاری و جاودانگی در فضای شهری پرداخته اند که در اکثر موارد نیز در روند تحقیق به بررسی تاثیر یک یا دو معیار که در ماندگاری فضاهای شهری موثر می‌باشند پرداخته شده است، لیکن فقدان یک چهار چوب نظری جامع از ویژگی‌های فضای شهری بی‌زمان در حوزه مطالعات شهرسازی احساس می‌گردد، از این رو انجام این مطالعه با هدف شناسایی و واکاوی ابعاد و مولفه‌های فضای شهری بی‌زمان به منظور ارائه یک چهارچوب استراتژیک نوآوری این تحقیق بوده است. بر همین اساس مقاله حاضر در صدد است، تا با نگاهی دیگر به مطالعات انجام شده، موضوع «بی‌زمانی فضای شهری» را مطرح کند.

روش تحقیق

رویکرد تحقیق حاضر از نوع کیفی است که با روش داده بنیاد(grounded theory) انجام شده است. جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از روش کتابخانه‌ای، کسب اطلاعات اسنادی و تهیه فیش برگرفته از کتاب ها و مقالات معتبر حاصل می‌شود. نظریه پردازی داده بنیاد به عنوان یک رویکرد بسیار مهم در قلمرو تحقیقات کیفی شناخته شده است، فرآیند پیچیده ای است که انجام آن مستلزم صرف وقت نسبتا طولانی بوده و داده ها به روش استنباط استقرایی تحلیل می‌شوند. این روش پژوهشی توسط دو جامعه‌شناس آمریکایی، گِلِیسِر(Glaser) و استِراوس(Strauss) در ۱۹۶۷ میلادی تدوین شده است از طریق این روش نه تنها مفاهیم و روابط بین آن ها ایجاد می‌شود، بلکه آنها به طور موقتی مورد آزمایش نیز قرار می‌گیرند. در حقیقت، نظریه زمینه‌ای آن نظریه‌ای است که مستقیماً از داده هایی استخراج شده است که در جریان پژوهش به صورت منظم گرد آمده و تحلیل شده‌اند؛ در این روش، گردآوری داده‌ها، تحلیل و نظریه نهایی با یکدیگر در ارتباط تنگاتنگ اند (دانایی فرد، امامی،۱۳۸۶). ساختار اصلی تحلیل داده‌ها در نظریه زمینه ای بر مبنای سه شیوهٔ کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی است.

سه عنصر اصلی روش نظریه‌پردازی داده بنیاد، مفاهیم، مقوله‌ها و قضیه‌ها هستند. مفاهیم: مجموعه ای از کلمات و واژه‌ها هستند که نظریه دانش به وسیله آنها ساخته می‌شوند. یک مفهوم یک کلمه (واژه) یا مجموعه‌ای از کلمات است که معنایی از طریق آنها انتقال داده می‌شود.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61882/hafthesar.14.52.53]

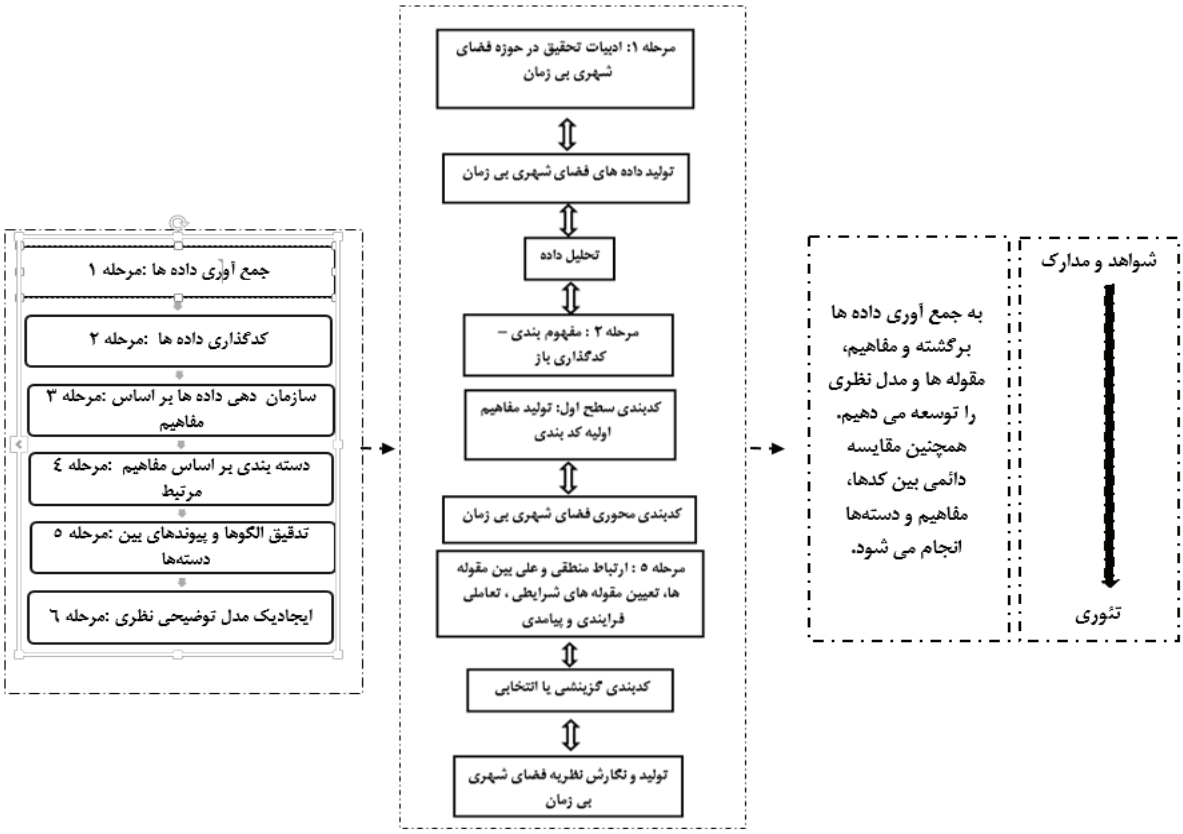
مقوله (طبقه): از ترکیب یا کناره هم قرار گرفتن چند مفهوم یک مقوله یا طبقه تشکیل می‌شود. مقوله ها نسبت به آنچه مفاهیم نشان می‌دهند تجریدی‌تر و در سطح بالاتری قرار دارند در مقوله ها یکپارچه سازی مفاهیم اتفاق می‌افتد. قضیه‌ها: بیانگر روابط تعمیم یافته بین یک مقوله و مفاهیم آن با مقوله‌های دیگر است. در قضیه‌ها یکپارچه سازی موضوعی اتفاق می‌افتد و تئوری پایه‌ریزی می‌شود. یکی از مهمترین بخش پژوهش های کیفی که نقش مهمی در سازماندهی نتایج تحقیق دارد، مسئله کدگذاری است کدگذاری در اصل انسجام بخشی و سازماندهی یافته های پژوهشی را دنبال می‌کند. هدف کدگذاری باز طبقه بندی داده ها و استخراج مفاهیم از داده‌ها است، در حالی که کدگذاری محوری ارتباط بین مفاهیم را مشخص می‌کند. در مرحله سوم، کدگذاری انتخابی، مفاهیم اصلی شناسایی و تشریح می‌شود. در عمل، این مراحل با هم تداخل دارند و ادغام می‌شوند زیرا فرآیند توسعه تئوری به صورت مکرر پیش می‌رود (Kasurinen,2012).

کد گذاری باز: کدگذاری باز بخشی از تجزیه و تحلیل داده است که بر مفهوم سازی و طبقه بندی پدیده ها از طریق تجزیه و تحلیل فشرده داده‌ها تمرکز دارد. فرآیندی تحلیلی است که از طریق آن مفاهیم شناسایی شده و ویژگی‌ها و ابعاد آن‌ها در داده‌ها کشف می‌شوند. (Strauss & Corbin, 2014) در این مرحله، داده‌ها به بخش‌های کوچک‌تر تقسیم می‌شوند که عمیقاً تجزیه و تحلیل می‌شوند. هدف این تحلیل درک ایده اصلی هر بخش و ایجاد کدی برای توصیف آن است(Vollstedt & Rezat, 2019). این مرحله شمال دو قسمت است:

الف- کدبندی سطح اول(تولید مفاهیم اولیه) ب- کدبندی سطح دوم(تولید مقوله‌های عمده)

در این قسمت تحلیل و استنتاج کیفی و دستیابی به ابعاد و مولفه های بی‌زمانی در فضای شهری از طریق نظریه داده بنیاد و با استخراج داده های حاصل از پیشینه تحقیق در راستای بی‌زمانی و با استفاده از واژه‌های جانشین و همنشین چون ماندگاری و جاودانگی، تداوم در فضای شهری، دسته‌بندی و تحلیل‌شده و در نهایت گزینش داده‌های مرتبط و یکپارچه‌سازی آنها انجام می‌شود.

الف) کدبندی سطح اول (تولید مفاهیم اولیه): دراین مرحله ابتدا مطالب مربوط به بی‌زمانی، خط به خط بررسی و نکات و مضامین کلیدی آن کدگذاری می‌شوند. این کدها در قالب مفاهیمی هستند، که از جملات متن‌های مرتبط با بی‌زمانی در فضای شهری به دست می‌آیند. با بررسی و مطالعهٔ اطلاعات، ۱۳۱ جملهٔ مرتبط با موضوع از متون استخراج شده، سپس مطالب با کدهای تکراری حذف شده و در نهایت ۷۶ جمله کدگذاری شده در جدول ۱، جمع‌آوری شده است. (شناسه مربوط به داده‌های بی‌زمانی در شهرسازی با حرف لاتین (A) نمایش داده شده است).



تصویر ۱- مراحل انجام پژوهش

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61882/hafthesar.14.52.53]

جدول ۱- تولید مفاهیم اولیه از داده‌های مرتبط با فضای شهری بی زمان در کدگذاری باز

شناسه	داده	مفهوم (کد)
A ۱.	تداوم ویژگی‌های فرهنگی در تداوم بلوک و ویژگی‌های فضایی معماری تجسم می‌یابد، در حالی کـه دگرگـونی فرهنگی و عوامل اجتماعی انسان‌ساخته بر تغییرات شکل‌های فضایی تأثیر می‌گذارد. (Jiao, et all,2023)	تداوم فضایی و فرهنگی
A ۲.	سیاست مکان‌سازی در انتقال پایداری و دگرگونی مستلزم تصدیق و مذاکره درباره خاطرات جمعـی از گذشـته و چشم‌اندازهای آینده است. (Feola et al.2023)	خاطرات جمعی
A ۳.	هویت مکان پیوندی بین یک فرد و یک مکان است که نشان‌دهنـده درگیـری عـاطفی فـرد بـا مکـان اسـت. (Knez, et all,2018) . هویـت مکـان همچنـین منجـر بـه ایجـاد پیونـد عـاطفی بـا مکـان مـی‌شـود. (Yongguang Zou et all,2023)	درگیری عاطفی فرد با مکان
A ۴.	در طول تاریخ، سازه های یادبود جایگاه مهمی در جامعه داشته اند راهگشای تجربیات مشـترک گذشـته و بیـان ملموسی از خاطرات مشترک و جمعی. (Upadhyaya,2022)	یادبود
A ۵.	آیین‌های شهری بدون شک نقش مهمی در ایجاد حس تعلق به یک مکان دارند. (Cattacin, &Gamba, 2021)	آیین‌های شهری
A ۶.	سازماندهی رویدادها به فعال شدن قلمرو، تداوم و جذاب کردن آن کمک می‌کنـد و "پایـداری" فضـا را ایجـاد می‌کند. (Stepanchuk et all,2021)	سازماندهی رویدادها
A ۷.	عناصر قدیمی شهرها می‌توانند در کنار عناصر جدید به کار خود ادامه دهند و حتی اگر نقـش هـای سـنتی آنهـا دیگر مورد تقاضا نباشد، می‌توان از آنها استفاده مجدد کرد. (Stepanchuk et all,2021)	انطباق قدیم با جدید
A ۸.	یانگل در تعریف جامعه پذیری شهری بر دعوت کننده بودن فضا بیش از همه ویژگی‌های آن تاکید دارد و آن را عامل مهمی در جذابیت شهر می‌داند. (Askarizad& Safari,2020)	دعوت‌کنندگی فضا
A ۹.	حضور گذشته در حال و آینده، تداوم «دیگر» و «هنوز» است که باعث گسست در زمان و مکان می‌شود. (Paphitis,2020)	حضور گذشته در حال و آینده
A ۱۰.	اساساً شهر بدون خاطره شهری بدون هویت است و حافظه‌ی جمعی سهم بسزایی در انتقال ارزش‌های فرهنگی حاکم بر جامعه و تداوم آن دارند. (Motalebi& Sedaghati, 2020 A11)	خاطره شهری، حافظه جمعی
A ۱۱.	از طریق نور، دهانه ها، فضای خالی، جرم و شرایط مادی، یک تجربه فضایی پایه و عمیق را ایجاد می‌گردد که حس ماندگاری را منتقل می‌کند. (Razali,2020)	کالبد
A ۱۲.	محیط ساخته شده برای انطباق با نیازها، شیوه‌ها و ایدئولوژی‌های در حال تحول جوامع، ناگزیر تسلیم تغییرات و تغییر می‌شود. ماندگاری در مفهوم زمان نهفته است و انکارناپذیر دگرگونی را بیان می‌کند. (Razali,2020)	انطباق با نیازها، شیوه‌ها و ایدئولوژی انعطاف‌پذیری
A ۱۳.	ماندگاری را می توان از طریق احساس تداوم درک کرد، جایی که یک ساختمان می تواند با «آنچه قبلاً گذشـته است» ارتباط برقرار کند. (Razali,2020)	ارتباط با گذشته
A ۱۴.	هویت مکان به عنوان «مجموعه ویژگی هایی است که تمایز و تداوم مکان را در طول زمان ممکـن مـی‌سـازد. (Hussein et all, 2020)	هویت، تداوم
A ۱۵.	اگر خاطرات در شهری جمع شود، بی‌زمانی به چشم می‌خورد. (Gürleyen, 2018)	انباشت خاطرات شهری
A ۱۶.	تلاش برای احیای خاطره بر اساس گذشته و تجسم آن با تبلور آن، تداوم را تضمین می‌کند. (Gürleyen, 2018)	احیای خاطره
A ۱۷.	تجربیات و فضاهای روزمره ودرگیری ها و تجربیات شخصی (صداها، بافت‌ها، مـزه‌هـا، بوهـا، خـاطرات) نقـش تعیین‌کننده‌ای در یادآوری مکان‌ها دارند. (Gürleyen, 2018)	ادراک، حواس
A ۱۸.	حمایت از پیدایش مکان‌های جدید به‌گونه‌ای که جزئی، یا تکه‌تکه نباشند، بلکه یکپارچه و منسجم باشند. چنین قابی حاوی مواد لازم برای مکانی پایدار، فراگیر و رضایت بخش باشد. (Carmona,2009)	طراح یکپارچه و منسجم
A ۱۹.	تجربیات جمعی و فردی در مکان را باعث ماندگاری فضاها می‌داند و اماکن مذهبی و مقدس را از عوامل مـوثر در تداوم و ماندگاری فضاها بر می‌شمارد. (Stern,2017)	تجربیات جمعی و فردی، مذهب، معنا

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61882/hafthesar.14.52.53]

شناسه	داده	مفهوم (کد)
A .۲۰	با مشارکت دادن جامعه،جنبه‌های جمعی جامعه برای زندگی‌شان معنادار می‌شود. در نهایت، این رشد می‌تواند منجر به احساس هویت بیشتر برای آنها شود. (Boussaa,2017)	مشارکت دادن جامعه
A .۲۱	استفاده از آب نیز بر ماندگاری تاکید دارد. برای تقویت حس ماندگاری می‌توان از استراتژی‌های طراحی متعددی با استفاده از آب استفاده کرد. (Pallasmaa,2016)	عنصر آب
A .۲۲	حافظه ابزاری مفیدیست برای ایجاد پیوندهای عاطفی بین فضا و مکان‌ها به منظور حفظ و یادآوری خاطرات خاص مرتبط با زمان‌های گذشته و همچنین یادآوری‌ها و دگرگونی‌هایی که به زندگی کنونی ما اشاره می‌کنند. (Isaak,2016)	یادآوری خاطرات خاص
A .۲۳	مناسک و مراسم آیینی باعث تداوم بقای مکان می‌شود. شهروندان با حضور داوطلبانه خود در مراسم آئینی می‌توانند به نوعی هم جوهری با محیط دست یابند و این امر باعث ایجاد حس دلبستگی و تعلق به فضا می‌شود (Moayedi et al,2015)	مناسک و مراسم آیینی
A .۲۴	مکان‌هایی که خاطرات ماندگاری را برای بازدیدکنندگان خود تداعی می‌کنند، اغلب در فضاهای شهری قابل دسترس شهر یافت می‌شوند.(Cho et all,2015)	فضاهای شهری قابل دسترس
A .۲۵	در فضاهای ماندگار است که هویت شهری و انسجام اجتماعی شکل می‌گیرد و تاب آوری یک شهر آزمایش می‌شود. (Cho et all,2015)	هویت شهری و انسجام اجتماعی
A .۲۶	شهرهایی با تاریخ طولانی دارای طیف وسیعی از فضاهای عمومی هستند که به مرور زمان توسط نیازهای مختلف ساکنان آن شکل گرفته و با آنها سازگار می‌شوند. فضای عمومی معنادار شکل می‌گیرد. (Cho et all,2015)	سازگاری با نیازهای مختلف ساکنان
A .۲۷	لینچ اشاره می‌کند دسترسی پذیری انواع تعاملات را با فضا و درون آن باز می‌کند، از جمله درگیری‌هایی که تنوع گروه‌های کاربر را از نظر سن، جنس، موقعیت اجتماعی یا پس‌زمینه فرهنگی پرورش می‌دهد. (Cho et all,2015)	دسترسی پذیری
A .۲۸	بناهای تاریخی به شکل بسیار کارآمدی از خاطره تبدیل می‌شوند که به طور فعال فضای شهری را نه‌تنها به عنوان یک مکان، بلکه به‌عنوان سوژه ای برای گفتمان خاطره‌سازی و هویت تبدیل می‌شوند. (Krzyżanowska,2016)	خاطره‌سازی و هویت با بناهای تاریخی
A .۲۹	مکان‌ها هویت واقعی خود را تنها زمانی به دست می‌آورند که «معنای آنها در زمان حال ساخته شود». (Krzyżanowska,2016)	معنای مکان
A .۳۰	استفاده از یادبودها در فضای شهری با بومی سازی آن در فضای خاص (شهری)، توانایی ذاتی برای روایت گذشته در ارتباط با زمان حال شهر دارند و موجب پیوند گذشته و حال می‌گردند در واقع گاها بناهای تاریخی امکان بزرگداشت وقایع بسیار پیچیده گذشته را فراهم می‌کنند. (Krzyżanowska,2016)	پیوند گذشته و حال
A .۳۱	زمان خود عنصری از تداوم است. تداوم زمانی به عنوان شکل زمان در شکل محسوس و فضای تجربه شده نشان داده می‌شود. شکل زمان از ارزش هایی مانند شکل خاطره، سبک، سنت، فرهنگ و غیره است که دارای ارزش‌های متعددی است که با فرم زیبایی‌شناختی، سبک، گرایش، عملکرد، سنت، فرهنگ، تاریخ و غیره در نظر گرفته می‌شود. (Kim,2015) (Kim,2016)	تداوم زمان
A .۳۲	در محور زمان کارکرد یک مکان می‌تواند تغییر کند و یا کالبد آن دچار فرسودگی گردد؛ ولی معنای مکان از طریق تجربه ی مکان برای افراد امکان تفسیر میابد و در بستر زمانی در ارتباط با حواس و عواطف در شرایط اجتماعی- اقتصادی تبلور می‌یابد.(Stokols, 2013)	استفاده از حواس و عواطف، شرایط اجتماعی- اقتصادی
A .۳۳	اهمیت ماندگاری در خاطرات مکان و میراث ملموس سرچشمه می‌گیرد. هر دو مفهوم با عناصر فیزیکی بادوام‌تر که زندگی نسل‌های متوالی را در بر می‌گیرد در هم تنیده شده‌اند.(Hamouche,2013)	خاطرات مکان و میراث ملموس
A .۳۴	بناهای عمومی مانند مسجد، سازه‌های بازار، حمام عمومی و مقبره‌های عموماً برای ماندگاری ساخته شده‌اند و طول عمر آنها در طول قرن ها ادامه دارد. آنها غالباً به وقف، موقوفات مذهبی نیز تبدیل می‌شوند و بنابراین از تغییر مصون می‌مانند. (Hamouche,2013)	موقوفات مذهبی

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.61882/hafthesar.14.52.53]

شناسه	داده	مفهوم (کد)
A ۳۵.	«حضور گذشته در زمان حال» برای حافظه فضای شهر مهم است. فضاها و شهرهای دارای هویت، ارجاعات، تاریخ و هویت خود را فراموش نکرده اند، زیرا به عنوان «مکان» تعریف می‌شوند. مکان‌هایی که تغییر نکرده‌اند، اگرچه تغییر کرده‌اند. **مکان‌هایی که با گذشت زمان تغییر نمی‌کنند، اگرچه تغییر کرده‌اند.** (Mihaila,2012)	حضور گذشته در زمان حال
A ۳۶.	با فراموش کردن خاطرات، فضا می‌تواند به یک غیرفضا تبدیل شود - "نا مکان". خاطرات فراموش شده می‌توانند علت فراموشی فضای شهری باشند. (Mihaila,2012)	بازنمایی خاطرات
A ۳۷.	شرط لازم برای رسیدن به فضاهای زنده و جاودانه دست یافتن به الگوهای مشترکی است، که متعلق به مکان خاصی نیستند، بلکه در همه جای جهان ماندگار و جاودانه‌اند.(Alexander,2011)	الگوهای مشترکی
A ۳۸.	افراد وابسته به یک مکان نسبت به افرادی که پیوندهای عاطفی کمتری دارند، علاقه بیشتری به گذشته آن مکان و ریشه های خود نشان می‌دهند وابستگی عاطفی به یک مکان با علاقه به تاریخ شهر محل سکونت کنونی و در نتیجه، به میزان دانش در مورد گذشته شهر مرتبط است. (Lewicka,2008)	پیوندهای عاطفی
A ۳۹.	تداعی حافظه در ایجاد حس مکان بسیار مهم است. تاریخچه و هویت شخصی ما با فضا و مکان در هم تنیده شده است. ما به مکان‌ها یک برچسب حافظه شخصی نسبت می‌دهیم که آنها را در ذهن ما نشان می‌دهد. (Qazi,2008)	حافظه، حس مکان، هویت،
A ۴۰.	ماندگاری، بی زمان بودن اثری است، که بر ذهن کاربر خود تأثیر میگذارد و در ذهن او جاودانه می شود. (Alexander,2007)	بی زمانی
A ۴۱.	مکان هایی که قابل شناسایی هستند، افراد را تشویق می کنند که زندگی کنند، کمی بیشتر بمانند و با یکدیگر ارتباط برقرارکنند.(Yuen,2005)	قابلیت شناسایی
A ۴۲.	هویت مکان می‌تواند به ایجاد حس ثبات و تداوم کمک کند، به ساخت و حفظ هویت ما کمک می‌کند. (Yuen,2005)	هویت، تداوم
A ۴۳.	جشنواره‌ها «زمان حال» را فراهم می‌کنند و دستی بر گذشته می‌کشند جشنواره‌ها می‌توانند منعکس کننده سیستم‌های ارزشی پویای افراد باشند که توسط همان آداب و رسوم، تصاویر، حافظه جمعی، عادات و تجربیات متحد شده‌اند. (Derrett,2003)	پیوند زمان گذشته و حال، حافظه جمعی
A ۴۴.	فضاهایی مانا و پاسخگو ساخته نمی شوند، مگر آن که به برقراری ارتباط با مفهومی عمیق‌تر یا با اهمیت‌تر توجه کنند (Schultz, 2000)	مفهومی عمیق
A ۴۵.	وقتی شهر سازمان فضایی یا «روح فضایی» خود را از دست می دهد، همانطور که در شهرهای ایران اتفاق می‌افتد، نمی‌تواند اجزای سنتی خود را حفظ کند، بنابراین، عناصر قدیمی نه تنها به این دلیل که قادر به انجام کارکردهای جدید نیستند، محکوم به زوال هستند.(Karimi, Kayvan,1998)	روح فضایی
A ۴۶.	انگاره‌های معنوی و وجود فضای روحانی در معماری یک بنا به همراه ویژگی‌های فرهنگی و توجه به حضور مؤثر انسان در فضا، می‌تواند در ماندگاری بنا مؤثر باشد. (یاراحمدی و همکاران،۱۴۰۱)	توجه به ابعاد معنوی
A ۴۷.	استفاده از الگوهای مشترک آثار ماندگار، شرط لازم برای ماندگاری ادراکی در معماری می‌باشد، اما شرط کافی نیست. (ملک آور زمانی و همکاران،۱۳۹۸)	الگوهای مشترک
A ۴۸.	عوامل بسیاری بر ماندگاری یک فضا تأثیرگذارند که یکی از مهمترین آنها تداوم ارزش‌های فرهنگی در بستر زندگی روزمره و ضرب آهنگ‌های ناشی از آن می‌باشد. (حاتمی گلزاری و همکاران،۱۳۹۸)	تداوم ارزشهای فرهنگی
A ۴۹.	بقای کالبد در گرو استفاده‌ی عملکردی متداوم از بناست. معماری برای آنکه زنده بماند، باید به نیازهای روز جامعه پاسخ دهد. (صالحی،۱۳۹۸)	تداوم کارکرد- پاسخدهی به نیازهای روز
A ۵۰.	مانایی فضای شهری با میزان استفاده از آن توسط شهروندان رابطه مستقیمی دارد و ارتقاء کیفیت در طول زمان موثرترین عامل در مانایی محسوب میشود. (صفدری،۱۳۹۶)	تعاملات اجتماعی
A ۵۱.	شکل گیری حس مکان به نوعی یک عامل محرک در ارتقای کیفیت فضای شهری بوده و تاثیر ویژه‌ای نیز می‌تواند در مانایی داشته باشد. (صفدری،۱۳۹۶)	حس مکان

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61882/hafthesar.14.52.53]

شناسه	داده	مفهوم (کد)
A ۵۲.	همراه مفهوم خاطره جمعی و بازنمایی آن در طول زمان با حس مکان به نوعی زمینه ساز نظارت عمومی و به دنبال آن ماهیت ثبات و تغییر موثر در مانایی است. (صفدری،۱۳۹۶)	خاطرات جمعی، حس مکان
A ۵۳.	ارتقاء و تثبیت کیفیت در طول زمان از عوامل اصلی مانایی فضای شهری قلمداد می‌شود.(صفدری،۱۳۹۶)	ارتقا و تثبیت کیفیت
A ۵۴.	اثری که بتواند مولفه تفاهم اجتماعی یا حس تعلق اکثریت مخاطبان جامعه را نسبت به خود داشته باشد می‌تواند در مسیر پویایی و ماندگاری در خاطره حرکت کند. (وریا اساسی،۱۳۹۶)	تفاهم اجتماعی
A ۵۵.	پالاسما تاکید بی قید و شرط بر تکنولوژی و فقر ادراک محیطی بینایی را عامل به وجود آورنده حس بیگانگی در شهرهای معاصر می‌داند و غیر انسانی بودن معماری و شهرسازی معاصر را نتیجه عدم توجه به بدن و ادراکات احساسی و عدم تعادل در سیستم احساسی انسان دانست. (بندر آباد–چاهچراغی،۱۳۹۶)	مولفه محیطی
A ۵۶.	در نظریه اکولوژیک توجه مناسب به نظام ادراکی حواس انسان و نظام‌های جهت دهنده و پدیدآوردن غنای حسی در محیط می‌تواند از یک سو قابلیت و کیفیت دعوت‌کنندگی برای طیف وسیع رفتار انسان حتی خلوت‌گزینی پدید آورد (بندر آباد–چاهچراغی،۱۳۹۶)	توجه به نظام ادراکی حواس انسان– غنای حسی
A ۵۷.	هویت هر فضا از تکرار مستمر الگوهای خاصی از رویدادها در آن مکان حاصل می‌شود. (الکساندر،۱۳۹۵)	تکرار مستمر الگو
A ۵۸.	ماندگاری یک پدیده علاوه بر ویژگی هایش از نحوه برخورد با آن در دوره‌های بعدی و همچنین شرایط پیرامون آن تاثیر می‌پذیرد.همچنین ماندگاری در معنا، کاکرد و کالبد یک پدیده قابل بررسی است. (پاکزاد،۱۳۹۴)	انطباق‌پذیری، معنا، کارکرد و کالبد
A ۵۹.	فضاهایی در ذهن شهروندان ماندگار می‌شوند که از خوانایی مسیر اماکن موجود و به خاطر سپردن آنها توسط ناظر در عین حال بازشناسی مسیر و جهت‌یابی درست برخوردار (بازوندی و شهبازی،۱۳۹۳)	خوانایی مسیر اماکن موجود تصویر ذهنی
A ۶۰.	در واقع حافظه جمعی از طریق ایجاد مکان، منظره سازی، اقدامات فستیوالی و مداخله در خاطرات جمعی شهر با پررنگ نمود. (سلطانی و همکاران،۱۳۹۲)	حافظه جمعی، اقدامات فستیوالی
A ۶۱.	انگاره‌های معنوی و وجود فضای روحانی در معماری یک بنا به همراه ویژگی‌های فرهنگی و توجه به حضور مؤثر انسان در فضا، می‌تواند در ماندگاری بنا مؤثر باشد. (شفیعیان داریانی و همکاران،۱۳۹۳)	انگاره‌های معنوی و وجود فضای روحانی
A ۶۲.	تفاوت اساسی معماری ماندگار و پایدار در وجود عنصر معنی و معنویت است. علاوه بر این مشخصه، توجه به فرهنگ و استفاده از کهن الگوهای ماندگار و توانایی جذب مخاطب را می‌توان از دیگر تفاوت‌های میان معماری ماندگار و پایدار بیان نمود. (شفیعیان داریانی و همکاران،۱۳۹۳)	وجود عنصر معنی و معنویت، فرهنگ، استفاده از کهن‌الگوهای ماندگار
A ۶۳.	احساس تعلق و دلبستگی به مکان نقشی تعیین کننده در تداوم حضور انسان در آن را دارد که سطح بالاتری از حس مکان است. (شفیعیان داریانی و همکاران،۱۳۹۳)	تداوم حضور انسان
A ۶۴.	توجه به فرهنگ، استفاده از کهن الگوهای ماندگار و توانایی جذب مخاطب را میتوان از دیگر تفاوتهای میان معماری ماندگار و پایدار بیان نمود. (پور جعفر و همکاران،۱۳۹۳)	فرهنگ و استفاده از کهن الگوهای ماندگار
A ۶۵.	در مقاله «جاودانگی در شهرسازی با نگاهی به شهر رم»، آنچه بعنوان مظهر جاودانگی مطرح شده است، حضور عنصر معنویت است. (پور جعفر و همکاران،۱۳۹۳)	عنصر معنویت
A ۶۶.	تحسین و جذب مخاطب تنها زمانی جاودانه و همیشگی می‌شود که خالق تنها به آنچه مردم در این زمانه خواسته‌اند اکتفا نکند بلکه افقی را برایشان بگشاید که همیشه و در همه زمان‌ها مورد نیاز و توجه مردم باشد. (گلابچی، محمود،۱۳۹۳)	انعطاف پذیری
A ۶۷.	اگر انسان و ابعاد پنهان وجودی او شناخته شوند، میتوان بر اساس این شناخت معماری مطلوبی به مثابه اثری هنری که قابلیت ماندگاری دارد، خلق کرد. (گلابچی، محمود،۱۳۹۳)	شناخت انسان و ابعاد پنهان
A ۶۸.	پشتوانه‌های فرهنگی، پشتوانه‌های ارزشی و دینی و پشتوانه‌های حکومتی و سیاسی هم در ماندگاری حسینیه‌ها و تکایا در طول تاریخ تاثیر گذار بوده است. (مختاباد و دیگران،۱۳۹۰)	پشتوانه‌های حکومتی و سیاسی
A ۶۹.	ماندگاری، بیان نوعی تداوم تاریخی و به دنبال آن تداوم فرهنگی است. پدیده‌ی جاودان، یک پدیده‌ی تکامل یافته است و تمامیت دارد و چون توانسته است در طول زمان علیرغم همه‌ی تحولات پیرامون بماند. (نقره کار و همکاران، ۱۳۸۸)	تدوام تاریخی و فرهنگی

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61882/hafthesar.14.52.53]

شناسه	داده	مفهوم (کد)
A ۷۰.	تحسین و جذب مخاطب زمانی جاودانه و همیشگی است، که هنرمند تنها به آنچه مردم در این زمان خواسته اند اکتفا نکند، بلکه افقی را برایشان بگشاید که همیشه و در همه زمان‌ها مورد نیاز و توجه مردم باشد و آنها را به لایه‌های متعالی‌تر فرا زمان و مکان سوق دهد. (نقره کار و همکاران،۱۳۸۸)	زمان
A ۷۱.	هویت یافتن یک فضا با معانی نمادین و تبیدل شدن آن به مکان احساس تعلق مردم را به آن فضا و مکان افزایش می‌دهد. (پورجعفر و همکاران ،۱۳۸۷)	معانی نمادین، حس مکان، حس تعلق
A ۷۲.	به قول لینچ ماندگاری عبارت است از میزان مقاومت عناصر یک شهر در مقابل فرسودگی و زوال و دارا بودن توانایی فعالیت طی دوره طولانی است. (پاکزاد،۱۳۸۲)	مقاومت و تداوم
A ۷۳.	نقش معنا در ماندگاری به سبب ایجاد هویتی خاص و منحصر به فرد برای فضا و به تبع آن مکان از اهمیت فزاینده ای برخوردار است. نوع فعالیت ها کثرت و میزان شهروندپذیری آنها می‌تواند در استفاده و یا عدم استفاده آنها تاثیرگذار بوده است و موجب ماندگاری آنها را فراهم می‌آورد. (لینچ،۱۳۷۶)	هویتی خاص، میزان شهروندپذیری
A ۷۴.	فضا باید هویت قابل ادراکی داشته و قابل شناسایی و به یاد ماندنی و نمایان باشد تا حس مکان ایجاد شده و ارتباط انسان و مکان به وحدت انجامد. (لینچ،۱۳۷۶)	هویت قابل ادراکی، به‌یادماندنی و نمایان
A ۷۵.	کارکرد اجتماعی فضا از مهمترین کارکردهای فضاهای شهری محسوب می‌گردد که امکان درگیری در تعاملات معنادار با اجتماع، اجتماعی‌شدن، شکل‌گیری حس مکان و فرصت جمع‌شدن و لذت تجربه با دیگران را در شهروندان ایجاد می‌نماید. (امیدیان و همکاران، ۱۴۰۲)	کارکرد اجتماعی

ب) کدبندی سطح دوم (تولید مقوله‌ها «مولفه ها»)

پس از شناسایی مفاهیم مرتبط با فضای شهری بی زمان، به تولید مقوله‌ها که همان مولفه‌های مورد نظر این پژوهش می‌باشد می‌پردازیم. در این مرحله، مفاهیم جدول شماره ۱ با توجه به شباهت ها و تفاوت ها مقایسه می‌شوند و قطعات مشابه را با همان کد برچسب گذاری می‌گردند. و در دسته‌بندی های مناسب قرار می‌گیرند، در واقع کدهای مفهومی که دارای معانی مشابه هستند، به یکدیگر متصل می‌شوند و نام آنها به مقوله تغییر می‌کند تا معنای انتزاعی‌تری به دست آید. در واقع مقوله‌های مستخرج شده همان مولفه های مورد نظر در این پژوهش می‌باشند. این بدان معنی است که مفاهیم توسعه یافته سپس با مفاهیم دیگر مرتبط می‌شوند تا دسته بندی‌های مرتبه بالاتری پدیدار شوند تا بتوان ابعاد مختلف مقوله را توصیف کرد. در طی فرآیند توسعه ابعاد مقوله ها، ویژگی های نظری مرتبط هر دسته تعیین و در توضیحات کد توضیح داده می‌شود (Vollstedt & Rezat,2019). در جدول۲ مفاهیم هریک از داده های استخراج شده از متن و در نهایت طبقه‌بندی آنها به صورت مولفه و سپس دسته‌بندی آنها در یک گروه بالاتر به عنوان ابعاد فضای شهری بی‌زمان صورت گرفته است. بدین ترتیب که ۷۵ مفهوم بررسی شده در جدول ۱ در ۱۸ مولفه و ۸ بعد دسته‌بندی شده‌اند.



تصویر ۲- مراحل انجام کدگذاری باز (کدبندی سطح دوم)

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.61882/hafthesar.14.52.53]

جدول ۲- تولید ابعاد و مولفه‌ها از داده‌های مرتبط با فضای شهری بی‌زمان در کدگذاری باز

شناسه	مفاهیم(کدها)	ابعاد	مقوله مستخرج (مولفه)
A۱+A۶+A۹+A۱۰+A۱۳ +A۱۴+A۱۶+A۱۸+A۱۹+ A۲۲+A۲۳+A۳۰+A۳۱+ A۳۵+A۴۲+A۵۱+A۵۲+ A۶۶+A۷۲+A۷۵+A۳۷+ A۴۲+A۴۶+A۴۸	تداوم فرهنگی و تداوم فضایی + سازماندهی رویدادها+ حضور گذشته در حال و آینده+ حافظه‌ی جمعی+ ارتباط با گذشته+ هویت+ احیای خاطره+ یکپارچگی و انسجام فضا+ تجربیات جمعی و فردی+ پیوندهای عاطفی بین فضا و مکان‌ها+ مناسک و مراسم آیینی+ حضور گذشته در زمان حال+ پیوند گذشته و حال +هویت مکان+ ارزش‌های فرهنگی+ استفاده‌ی عملکردی متداوم از بنا+ احساس تعلق و دلبستگی به مکان+ ماندگاری علیرغم همه‌ی تحولات پیرامون+ مقاومت در مقابل فرسودگی و زوال+ الگوهای مشترک+ هویت مکان+ استفاده ی عملکردی متداوم	کالبدی- فضایی، زمان	تداوم
A۲۰+A۳۲+A۴۴+A۴۵+ A۶۰+A۶۱+A۶۳+A۶۵	اماکن مذهبی و مقدس+ ارتباط با حواس و عواطف— اقتصادی+ مفهومی عمیق+ انگاره‌های معنوی و وجود فضای روحانی+ انگاره‌های معنوی و وجود فضای روحانی+ عنصر معنی و معنویت+شناخت انسان و ابعاد پنهان وجودی او	معنا	معنای مکان
A۳+A۴+A۵+A۱۰+A۱۴ +A۲۰+A۲۵+A۲۸+A۲۹+ A۳۵+A۵۶	درگیری عاطفی فرد با مکان+ تجربیات مشترک گذشته+ آیین‌های شهری+ انتقال ارزشهای فرهنگی+ تمایز و تداوم+ مشارکت دادن جامعه+ فضاهای ماندگار+ بناهای تاریخی+ حضور گذشته در زمان حال+ تکرار مستمر الگوهای خاصی	معنا، کالبدی، فرهنگی	هویت
A۲+A۴+A۵+A۱۷+A۱۹ +A۳۳+A۳۶+A۳۹+A۴۳+ A۴۴+A۵۹	خاطرات جمعی+ تجربیات مشترک گذشته+ آیین‌های شهری+ تجربیات شخصی (صداها، بافت ها، مزه ها، بوها، خاطرات)+ تجربیات جمعی و فردی + خاطرات مکان+ تداعی حافظه+ جشنواره‌ها + مفهومی عمیق+ منظره سازی، اقدامات فستیوالی	معنا	حافظه جمعی
A۵+A۲۳+A۳۰+A۳۸+A ۵۳+A۶۹	آیین‌های شهری+ مناسک و مراسم آیینی+ پیوند گذشته و حال+ پیوندهای عاطفی+ تفاهم اجتماعی یا حس تعلق اکثریت مخاطبان+ معانی نمادین	معنا	حس تعلق
A۲۳+A۳۸+A۵۰+A۵۱+ A۵۳+A۶۲	مناسک و مراسم آیینی+ پیوندهای عاطفی+ شکل گیری حس مکان + بازنمایی مفهوم خاطره جمعی + تفاهم اجتماعی یا حس تعلق اکثریت مخاطبان+ دلبستگی به مکان	معنا	حس مکان
A۴۱+A۵۸	مکان‌های قابل شناسایی+ خوانایی مسیر اماکن موجود و به خاطر سپردن آنها	ادراکی	خوانایی
A۷+A۱۲+A۲۶+A۴۸+A ۵۷+ A۶۸+A۷۰	انطباق قدیم با جدید+ انطباق با نیازها، شیوه‌ها و ایدئولوژی‌های در حال تحول جوامع+ سازگاری با نیازهای مختلف ساکنان+ پاسخ به نیازهای روز جامعه+ نحوه برخورد در دوره‌های بعدی+ افقی که همیشه و در همه زمان‌ها مورد نیاز و توجه مردم باشد+ دارا بودن توانایی فعالیت طی دوره طولانی	کالبد	انعطاف پذیری
A۲۴+A۲۷	فضاهای شهری قابل دسترس+ دسترسی پذیری	کالبدی	دسترسی
A۱۱+A۵۲	تجربه فضایی پایه و عمیق+ ارتقا و تثبیت کیفیت در طول زمان		دوام کالبدی
A۲۳+A۴۶+A۶۱+A۶۶+ A۶۷+A۷۵	مناسک و مراسم آیینی+ الگوهای مشترک+ توجه به فرهنگ و استفاده از کهن الگوهای ماندگار+ پشتوانه‌های فرهنگی+ تداوم فرهنگی+کارکرد اجتماعی	معنا	فرهنگی و اجتماعی

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61882/hafthesar.14.52.53]

شناسه	مفاهیم(کدها)	ابعاد	مقوله مستخرج (مولفه)
A۱۷+A۲۱ +A۵۵	استفاده از آب+ صداها، بافت ها، مزه ها، بوها+ تقویت ادراک محیطی بینایی+ توجه به بدن و ادراکات احساسی+ توجه مناسب به نظام ادراکی حواس انسان	محیطی	اقلیم و محیط
A۸+A۴۹+A۲۰	دعوت کننده بودن فضا+ میزان استفاده از آن توسط شهروندان+ مشارکت دادن جامعه+	فرهنگی	حضورپذیری
A۱۹+A۲۳+A۳۴+A۶۰	اماکن مذهبی و مقدس+ مناسک و مراسم آیینی+ آیین‌های مذهبی+ انگاره‌های معنوی و وجود فضای روحانی	معنا	مذهب
A۳۱+A۷۰	زمان به عنوان عنصری از تداوم+ فرازمان	زمان	پویایی
A۳۹+A۴۰+A۵۵+A۵۸	تداعی حافظه+ جاودانگی در ذهن+ توجه مناسب به نظام ادراکی حواس انسان+ خوانایی مسیر اماکن موجود و به خاطر سپردن آنها	ادراکی	تصویر ذهنی
A۶۸	پشتوانه‌های فرهنگی، پشتوانه‌های ارزشی و دینی و پشتوانه‌های حکومتی و سیاسی	سیاسی	سیاست
A۳۲	شرایط اجتماعی – اقتصادی	اقتصاد	اقتصادی

مرحله دوم: کدگذاری محوری: پس از تجزیه داده ها در فرآیند کدگذاری باز، آنها به روشی جدید در فرآیند کدگذاری محوری به هم متصل می‌شوند تا پیوندهایی بین یک دسته و زیرمجموعه‌های آن ایجاد شود (Kaiser & Presme, 2019). در این مرحله مقولات سازماندهی می‌شوند، یعنی مقولات با استفاده از یک متغیر به هم وصل می‌شوند. در واقع ربط دهی ابعاد به زیر مولفه ها و پیوند دادن به یکدیگر است.

این گذار به این دلیل محوری نامیده می‌شود که کدگذاری حول محور یک مقوله تحقق می‌یابد. در این مرحله نظریه پرداز داده بنیاد یک مقوله مرحله کدگذاری باز را انتخاب کرده و آن را در مرکز فرایندی که در حال بررسی آن است به عنوان (پدیده مرکزی) قرار می‌دهد و سپس دیگر مقوله‌ها را به آن ربط می‌دهد این مقوله‌ها عبارت‌اند از "شرایط علی"، "راهبردها"، "شرایط زمینه ای و مداخله‌گر" و "پیامدها" این مرحله مشتمل بر ترسیم یک نمودار است که الگوی کدگذاری نامیده می‌شود. در نهایت شش مقوله مهم در مدل اشتراوس و کوربین برای تئوری زمینه ای وجود دارد.

شرایط علی: مقوله‌هایی مربوط به شرایطی است که بر مقوله محوری تأثیر می‌گذارند.

زمینه: شرایط خاصی که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند.

مقوله محوری: یک صورت ذهنی از پدیده ای که اساس فرایند است.

شرایط مداخله گر: مقوله‌هایی که در شرایط زمینه ای عمومی بر راهبردها تأثیر میگ ذارند و مقوله‌هایی هستند که می‌توانند بر پدیده محوری تأثیر گذار باشند.

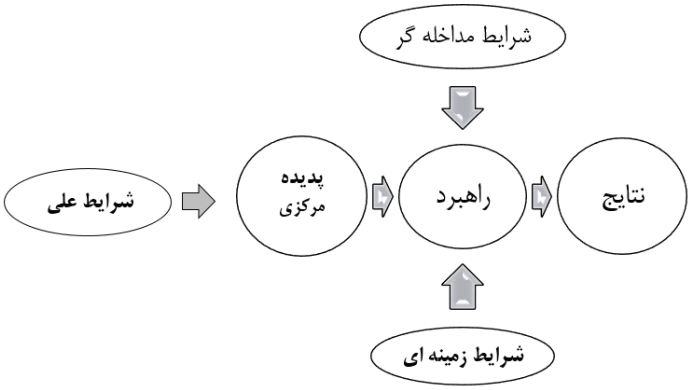
راهبردها: کنش‌ها یا بر هم کنش‌های خاصی که از پدیده محوری منتج می‌شود راهبردها از پدیده محوری حاصل از تأثیرگذاری مقوله‌های از جنس، علی زمینه ای و مداخله گر بر یک پدیده خارج منتج می‌شود و دارای پیامد خاصی هستند که خروجی‌های حاصل از به کارگیری راهبردها را نشان می‌دهند.

پیامدها: خروجی های حاصل از استخدام و به کارگیری راهبردها در نتیجه شرایط علی بر پدیده محوری اثر می‌گذارند. پدیده محوری و شرایط زمینه ای و مداخله گر بر راهبردها اثر می‌گذارند و راهبردها بر پیامدها اثر می‌گذارند پس نظریه پردازان داده بنیاد یکی از مقوله های حاصل از کدگذاری باز انتخاب کرده و آن را به عنوان پدیده محوری در الگوی کدگذاری استفاده می‌کند.

در این مرحله پدیده محوری یعنی «فضای شهری بی زمان» را در مرکز فرایند در حال بررسی قرار داده و سپس مقوله های بدست آمده از جدول شماره ۲ را متناسب با نوع ارتباط آنها با پدیده محوری در مدل پارادایم «استراوس و کوبین» قرار داده و به هم ربط می‌دهیم. (تصویر ۳) این مرحله را با یک نمودار که «الگوی کدگذاری» نامیده می‌شود کامل می‌کنیم.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

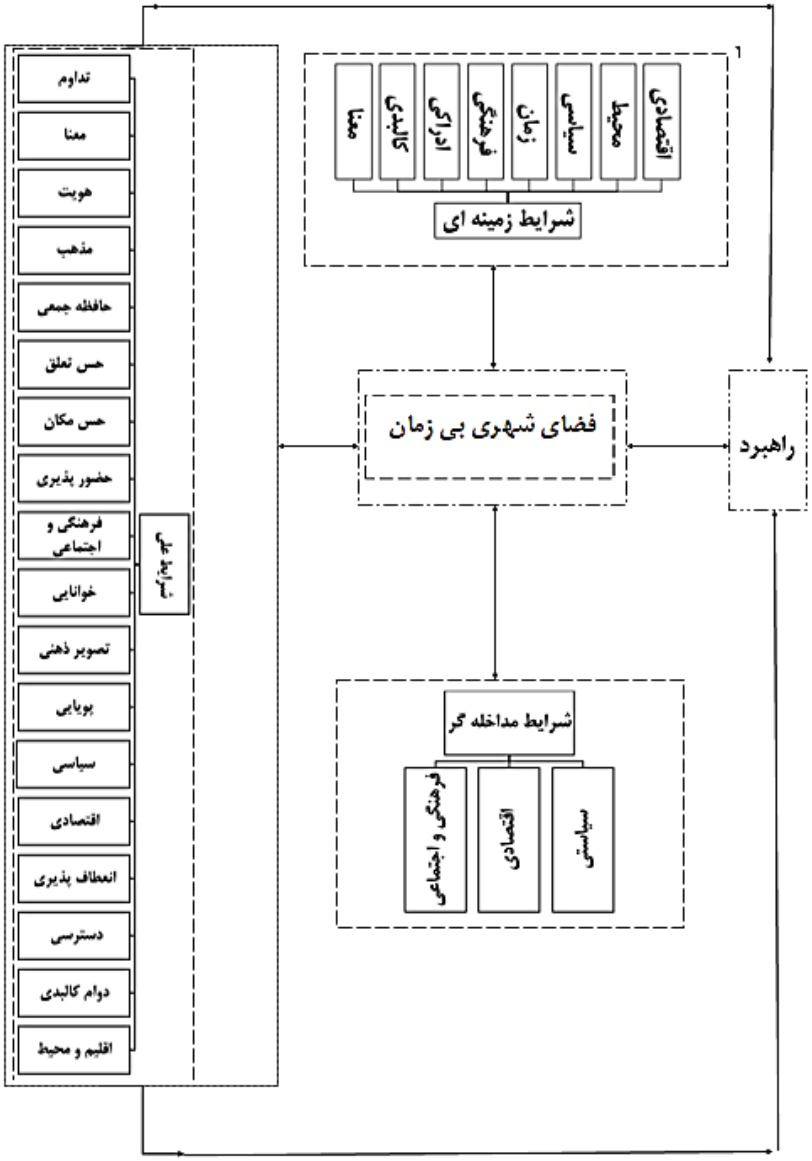
[DOI: 10.61882/hafthesar.14.52.53]



تصویر ۳- مدل کدگذاری محوری بر اساس نظریه پایه (کوربین و استراوس، ۲۰۱۴)

کدگذاری انتخابی

هدف از کدگذاری انتخابی ادغام دسته بندی‌های مختلفی است که در طول کدگذاری محوری توسعه یافته، توضیح داده شده‌اند و به طور متقابل در یک نظریه منسجم مرتبط هستند. بنابراین، کدگذاری انتخابی کاملاً شبیه به کدگذاری محوری است، اما در سطح انتزاعی تر انجام می‌شود. مقوله‌ها از نظر تئوری در یک نظریه فراگیر منسجم ادغام می‌شوند، زیرا تحت یک دسته اصلی قرار می‌گیرند که به همه دسته‌های دیگری که در کدگذاری محوری ایجاد شده‌اند، مرتبط است. بنابراین، کدگذاری انتخابی، فرآیند انتخاب دسته اصلی و ارتباط آن با سایر دسته‌ها از کدگذاری محوری است(Kaiser & Presme, 2019). به منظور تبیین مفاهیم و مولفه ها در این مرحله در جدول ۲ در یک دسته بندی کلی تر در داده‌ها انجام داده به این ترتیب که وجه مشترک مولفه های بدست آمده در مرحله قبل شناسایی و با توجه به جنس آن‌ها در ۸ دسته‌ی کلی‌تر همچون بعد معنا، کالبد، ادراک، فرهنگ، اقتصاد سیاست و زمان قرار می‌گیرند که در تصویر ۴ نشان داده است.



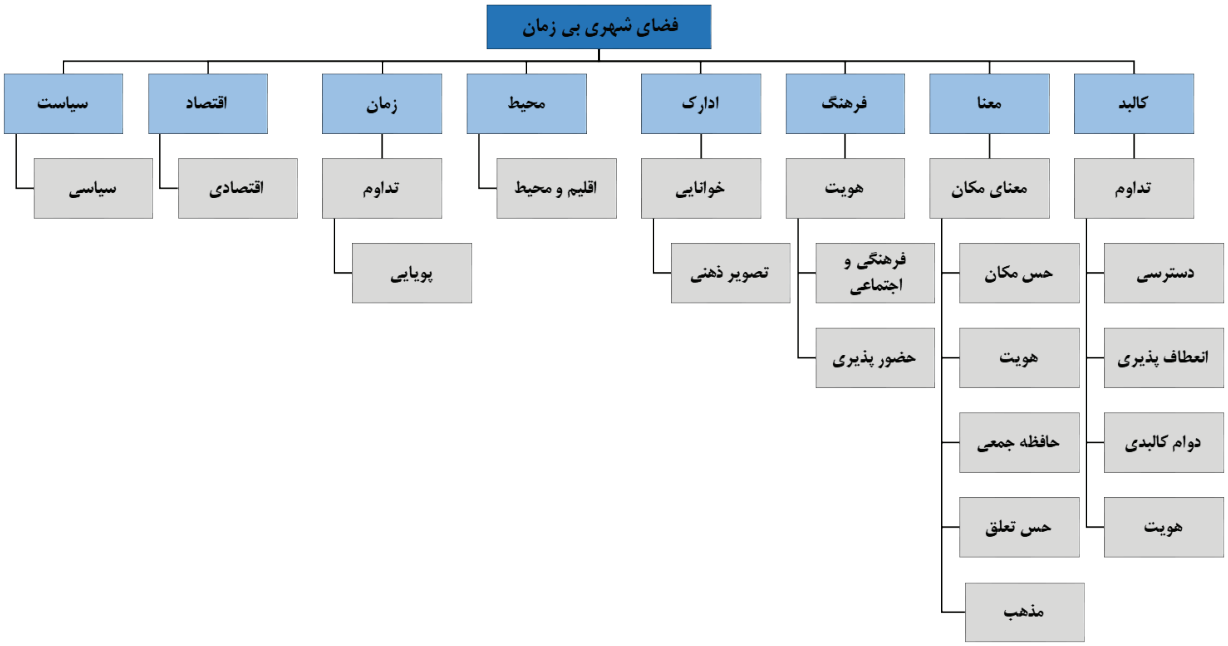
تصویر ۴- الگوی کدگذاری فضای شهری بی‌زمان

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61882/hafthesar.14.52.53]

یافته‌های تحقیق

با مرور مبانی نظری و ملاحظات ارائه شده توسط پژوهشگران و بررسی مقولات بدست آمده مشخص می‌گردد فضای شهری بی زمان به عنوان یک مفهوم در حوزه برنامه ریزی و طراحی شهری جنبه ها و ابعاد گوناگونی را شامل می‌شود که تا کنون مغفول مانده است.با توجه به مراحل کدگذاری قبلی و بررسی داده‌ها می‌توان گفت بی زمانی حاصل نگاه کل نگر به جنبه‌های معنایی، کالبدی، فرهنگی و اجتماعی، ادراکی، اقتصادی، سیاسی و زمان است. این پدیده برآیند همگرایی تمام این لایه ها است. هماهنگی متعادل بین این ابعاد منجر به وحدت و مجموعیت وجودی آن می‌شود. معیار های تداوم، معنا، هویت،مذهب، حافظه جمعی، حس تعلق، حس مکان، حضور پذیری، خوانایی، تصویر ذهنی، حضورپذیری، انعطاف پذیری، دسترسی، دوام کالبدی و محیط از متغیر های علی این پدیده می‌باشند. به طورکلی و با توجه به دیدگاه‌های نظریه پردازان مختلف مهمترین ابعاد و مولفه‌ها را می‌توان طبق تصویر ۵ دسته بندی کرد.



تصویر ۵- ابعاد و مولفه‌های فضای شهری بی زمان

بی زمان بودن در فضای شهری منوط به گنجاندن معنایی خاص در بافت فضایی و محیطی آن است که در بسیاری از تحقیقات منجمله (Gürleyen,2018)، (Boussaa,2017)، (all,2015) Cho et، (Krzyżanowska,2016)، (Stokols, 2013) و (Relph, 1986) به آن اشاره شده است. از این رو شناسایی یک الگوی مشترک که از طریق آن بتوان اطلاعات معنایی پنهان را روشن نمود و در نتیجه تداوم معنایی را تضمین کرد در فضاهای شهری ضروری است؛ علاوه بر این، الگوهای رایجی که در طول زمان در جهت ماندگاری فضای شهری موفق بوده اند می‌توانند راهبردی برای فضاهای شهری معاصر باشند. صرفا استفاده از این الگوهای مشترک سبب مانایی فضای شهری نمی گردد چه بسا فضاهایی با این ویژگی صرفا به یک فضای تاریخی تبدیل شده‌اند. الگوهای شناسایی شده باید هم با توجه به ساختار و همزیستی هماهنگ با محیط طبیعی اطراف در محیط ادغام شده و با محیط و بستر خود سازگار شوند و هم از نظر جغرافیایی و هم از نظر بافت فرهنگی، با در نظر گرفتن محیط، مصالح محلی و تاریخ فرهنگی. در فضاهای شهری امروز به جای توجه عنصر معنا و نیازهای واقعی افراد و الگوهای فرهنگی بیشتر طراحی معطوف به تکنولوژی و ابزارها می‌باشد. بنابراین، برای اینکه یک فضای شهری به جایگاهی ماندگار و جاودانه دست یابد، ضروری است که عنصر معنویت در طراحی آن جا افتاده باشد و بتواند مخاطبان خود را مجذوب خود کند و در طی گذشت زمان خود را با نیاز کاربران تطبیق دهد. (Jiao, et all,2023) نیز در پژوهش خود به رابطه‌ی تداوم فرهنگی و تداوم فضایی بر اساس عناصر تداوم اشاره می‌کند. هویت مکان به عنوان مجموعه ویژگی‌هایی است که تمایز و تداوم مکان را در طول زمان ممکن می‌سازد. همچنین پیوندی بین فرد و مکان است که نشان دهنده درگیری عاطفی فرد با آن مکان می‌باشد. محققانی چون (Yongguang Zou et al., 2023)، (Jiménez-Medina et al., 2021)، (Motalebi]& Sedaghati, 2020)، (Stern, 2017)،

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.61882/hafthesar.14.52.53]

(Boussaa, 2017)، (Krzyżanowska, 2016)، (Cho et al., 2015) و (Hussein et al., .2020)، به معیار هویت بـه عنـوان یکـی از معیارهای تاثیر گذار بر ماندگاری فضاهای شهری اشاره کرده‌اند. برخی محققین نیز همچـون (Jiao, et al., 2023)، (Stepanchuk et al.,2021)، (Paphitis, 2020)،(Motalebi& Sedaghati, 2020)، (Lesiège, 2023)، (Hussein et al., 2020)، (Gürleyen, 2018)، (Boussaa, 2017)، (Kim, 2015)، (Krzyżanowska, 2016) بخش‌هایی از شهر را که در طـول زمـان پـا برجـا مـی‌ماننـد، موجب ایجاد حس پیوستگی و استمرار در مکان می‌دانند و معتقدند این پیوستگی و استمرار نیاز به متصل کردن زمان بـا مکـان دارد کـه این مهم به واسطه عملکردهای حافظه و ذهن(ادراک) ممکن می‌شود. احیای خـاطره بـر اسـاس گذشـته و تجسـم و تبلـور آن، تـداوم را تضمین می‌کند و ماندگاری را می‌توان از طریق احساس تداوم درک کرد، جایی که فضای شهری با آنچه قبلاً گذشته است ارتباط برقـرار می‌کند. تحقیقات انجام شـده توسـط (Motalebi& Sedaghati, 2020)، (Gürleyen,2018)، (Boussaa,2017)، (Mihaila,2012)، (Qazi,2008)، (Derrett,2003)، بیانگر آن است که با توجه به ماهیت مشـترک حافظـه ی جمعـی بـین سـاکنان یـک شـهر، مـی‌تـوان عناصری را به عنوان نمادی از هویت شهر که نمادی از اشتراکات گروهی از انسان ها است، شناسایی کرد. در واقع حافظه جمعی از طریق ایجاد مکان، منظره سازی، بازاریابی شهر، اقدامات فستیوالی و مداخله در خاطرات جمعی شهر با پررنـگ نمـود لحظـاتی خـاص از تـاریخ شهر از طریق تاکید فیزیکی و فعالیتی و برندسازی می‌تواند در ماندگاری فضای شهری سهیم باشـد. حافظـه ی جمعـی سـهم بسـزایی در انتقال ارزش های فرهنگی حاکم بر جامعه و تداوم آن دارند. قابلیت حضورپذیری یکی از عوامل مؤثر در پیدایش فضای شهری بـی زمـان است که مطالعات (Boussaa,2017)، (Askarizad& Safari,2020)، (Derrett,2003)، (جوادی و همکـاران، ۱۳۹۴) بـر ایـن موضـوع تاکید می‌کنند. هنگامی که ما در مورد نیاز به حفظ کاربری به عنوان انگیزه ای برای تمایل به حفـظ فضـاهای شـهری بحـث مـی‌کنـیم، قابلیت بنا در حفظ کاربر و به عبارت دیگر حضورپذیری بنا علت اصلی حفظ کاربری و مانایی اسـت. فضـای شـهری بایـد مـورد اقبـال و پذیرش مردم قرار گیرد. ماهیت ماندگاری فضاهای شهری، به شدت متکی بر حضور بشـر و تعامـل فعـال آنهـا بـا محـیط اطـراف اسـت. بنابراین، جلوگیری از رها شدن و نابودی آن برای اطمینان از حفظ آن محیط ضروری است. ماندگاری فضای شهری زمانی تحقق می‌یابد که ساکنان از حضور در آن فضا خود رضایت داشته باشند و از محیط اطراف خود لذت ببرند. متعاقباً، با گذشت زمـان، تعـاملات اجتمـاعی افزایش می یابد و باعث ایجاد احساس دلبستگی به فضای شهری می‌گردد. در نتیجـه افـزایش حـس تعلـق نسـبت بـه فضـای شـهری، حضورپذیری و درنتیجه تداوم کارکرد چه در کالبد و چه در فرهنگ آن را سبب می‌شـود؛ بنـابراین حضـورپذیری و حـس تعلـق از جملـه عوامل تأثیرگذار بر ماندگاری فضای شهری می‌باشن که در تحقیقات (Cattacin, &Gamba, 2021)، (پور جعفـر و همکـاران ،۱۳۸۷)، (میان رودی و همکاران،۱۳۹۶) و (شفیعیان داریانی و همکاران،۱۳۹۳) نیز به آن اشاره داشته‌اند. مکـان بـه سـبب تعامـل و آمیختگـی بـا انسان معنادار می‌شود انسان به فضای شهری معنا می‌دهد و با آن معنا می‌یابد. فضای شهری باید دارای سیستمی از زیبایی شناسی باشـد که تداعی کنندهٔ معناهای برتر نزد جامعه بوده و در هر فرد احساس شعف ایجاد کند و با جوهر هستی و زیبایی اصیل پیونـد برقـرار کنـد. این کلیت وجودی به آن زیبایی می‌بخشد. وجود عناصر طبیعـی در فضـاهای شـهری ماننـد عنصـر آب، درختـان و ... آن را بـه سـطحی می‌رساند که واجد همهٔ این کیفیات می‌شود در نتیجه زیبایی و آسایش را برای کاربران تجلی می‌بخشد. این فضاها اغلب با طراحی متنی، مقیاس انسانی، عملکرد، مواد و سـاخت، پایـداری، تعـادل و طنـین احسـاس مشـخص مـی‌شـوند. طبـق مطالعـات (Gürleyen, 2018)، (Pallasmaa,2016)، (بندر آباد–چاهچراغی،۱۳۹۶) تجربیات و فضاهای روزمره ودرگیری ها و تجربیات شخصی (صداها، بافـت هـا، مـزه ها، بوها، خاطرات) نقش تعیین کننده ای در یادآوری مکان‌هـا دارنـد. اسـتفاده از آب نیـز بـر مانـدگاری تاکیـد دارد. بـرای تقویـت حـس ماندگاری می‌توان از استراتژی‌های طراحی متعددی با استفاده از آب استفاده کرد. پالاسما تاکید بی قید و شرط بر تکنولوژی و فقـر ادراک محیطی بینایی را عامل به وجود آورنده حس بیگانگی در شهرهای معاصر می‌داند و غیـر انسـانی بـودن معمـاری و شهرسـازی معاصـر را نتیجه عدم توجه به بدن و ادراکات احساسی و عدم تعادل در سیستم احساسی انسان دانست. ماندگاری از نظر کالبدی یکـی از معیارهـای یک فضای شهری جاودانه محسوب می‌شود. زیرا فضای شهری بدون رعایت اصول و مبانی پایداری و مقاومت نمی توانـد مانـدگار باشـد. دوام کالبدی نوعی تداوم تاریخی و فرهنگی نیز می‌باشد. ماندگاری فضای شهری مستلزم داشتن معماری ای در بناهـای بطـن آن اسـت که محدود به یک دوره زمانی خاص نیست، بلکه در طول تاریخ ماندگار و جاودانه است. مفهوم زنده بودن ریشه در ارتبـاط بـین گذشـته، حال و آینده دارد که در نهایت منجر به هویت آن می‌شود. همچنین باید با آداب و رسوم هماهنگ بوده، قـوانین را رعایـت نمایـد و مـورد اقبال و پذیرش مردم قرار گیرد. استفاده از مواد طبیعی، مانند سنگ و چوب نیز حس بی زمانی را القا می‌کند زیرا این مواد بـرای نسـل‌هـا بدون تغییر باقی می‌مانند.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61882/hafthesar.14.52.53]

[DOI: 10.61882/hafthesar.14.52.53] [Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]



تصویر ۶- راهبردهای هر بعد از فضای شهری بی زمان

فضای شهری باید دارای سیستمی از زیبایی شناسی باشد که تداعی کنندهٔ معناهای برتر نزد جامعه بوده و در هر فرد احساس شعف ایجاد کند و با جوهر هستی و زیبایی اصیل پیوند برقرار کند. این کلیت وجودی به آن زیبایی می‌بخشد. با استفاده از این اصول، معماران، طراحان و برنامه‌ریزان می‌توانند فضاهای شهری ماندگاری را ایجاد کنند که تجربه بشری را افزایش داده و در برابر زمان‌های در حال تغییر و خواسته‌های اجتماعی پایدار بماند. این فضاها نه تنها حس مکان را ارائه می‌دهند، بلکه تعاملات اجتماعی و مشارکت اجتماعی را نیز تقویت می‌کنند. با بررسی و کنش یا بر هم کنش‌های خاصی که از فضای شهری بی زمان منتج می‌شود و راهبردهایی که حاصل از تأثیرگذاری مقوله‌های علی زمینه ای و مداخله گر است و دارای پیامد خاصی است را می‌توان در تصویر ۶ خلاصه نمود.

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه متاسفانه همگان شاهد افول کیفیت فضاهای شهری و بحران هویت و عدم کارایی این فضاها هم در غالب ماهیتشان و هم دراندیشه و ذهن مخاطبانش هستیم. در پژوهش حاضر با هدف بازخوانی ابعاد و مولفه های فضای شهری بی زمان به دنبال خلق فضایی هستیم که صرف نظر از ویژگی‌های خاصش، نمی توان آن را از طریق دستورالعمل های استاندارد منتقل کرد. این بحث به مفهوم کیفیت بی نام الکساندر، که رمز ماندگاری را کیفیت بی نام می نامد و دست یافتن به آن را آیین جاودانی برمی شمرد که برگرفته از جوهره ریشه‌های تاریخی و فرهنگی است، با این حال در محدودیت‌های گذشته حبس نشده و در نتیجه جوهری جاودانه را مجسم می‌کند بسیار نزدیک است. شکل .... نشان دهنده ابعاد و مولفه های احصا شده با بررسی ادبیات مرتبط با مفاهیم جانشین و همنشین در راستای بی‌زمانی می‌باشد. نتایج بدست آمده نشان دهنده تاثیر بسیار زیاد بعد معنا در میان ابعاد احصا شده و موثر در شکل گیری فضای شهری بی زمان می‌باشد. وجود انگاره های معنوی و ایجاد فضای روحانی از عوامل موثر در معنای مکان می‌باشند و می‌توان با در نظر گرفتن جنبه معنویت، پتانسیلی برای تقویت تعاملات اجتماعی و توجه به ارزش های جامعه و در نهایت کمک به ماندگاری فضاهای شهری ایجاد کرد. پس از آن هویت نیز یکی از تاثیر گذار ترین مولفه‌ها در به وجود آمدن فضای شهری بی زمان می‌باشد همان طور که در یافته‌های تحقیق محققان زیادی وجود هویت را دلیل بر ماندگاری فضاهای شهری دانسته‌اند طراحان نیز باید با در نظر گرفتن هویت و مولفه‌های تاثیر گذار موجبات پیوند فرد و مکان را فراهم آورند و ساختاری که معرف ارزش‌های هویت یک جامعه است را ایجاد نمایند که در انتقال فرهنگ شهر و تأثیرات فرهنگی آن از نسلی به نسل های بعدی موفق تر عمل کند. با رسیدن به این مفهوم که بی زمانی در برگیرندهٔ ثبات روابط و پویایی اجزاء و ویژگی های پدیده به طور همزمان در طول زمان است، نتایج منطبق بر تحلیل‌های اولیه نیز این انتظار را تأیید کردند که در میان مولفه ها، مولفهٔ تداوم نقش بسزایی در ماندگاری و تداوم ذهنی معنای مکان دارند و با توجه به شکل ۴ وجود این مولفه در ابعاد کالبدی، معنایی و هویت نیز به چشم می‌خورد. فضایی با این ظرفیت و ویژگی، حضور فرد را در تداوم فرهنگ و زمان قرار می‌دهد و ارتباط با گذشته ای مشترک و جمعی که توسط ردپایی مشترک از تاریخ پشتیبانی می‌گردد را به تصویر می‌کشد و به فرد اجازه می‌دهد در روایتی معنادار شرکت کند که از دامنه زندگی فردی او فراتر می‌رود.

منابع

- احمدآبادی، زهره، صالحی هیکویی، مریم، و احمدآبادی، علی. (۱۳۸۶). رابطه مکان و جرم: مطالعه آسیب‌شناسی گیم‌نت‌های شهر تهران، *فصل‌نامه رفاه اجتماعی*، ۷ (۲۷)، ۲۵۳-۲۷۵.
- اساسی، وریا. (۱۳۹۶). تدوین الگوی عوامل موثر بر شکل گیری مکان ماندگار در خاطره جمعی نمونه موردی: بوستان(شفق، ملت، آب و آتش). *رساله دکتری. دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات.*
- اسلامی، شیرین، و شاهیوندی، احمد. (۱۴۰۲). سنجش شاخص های خلق حس مکان در توسعه های جدید شهری، نمونه مورد مطالعه: (شهرک قدس قم)، *فصلنامه مطالعات شهری*، ۱۲(۴۷)، ۵۱-۶۴
- امیدیان کلشگرانی، لیلا، ثقفی اصل، آرش، ستاری ساربانقلی، حسن، و فرامرزی اصلی, مهسا. (۱۴۰۲). شناسایی مؤلفه های تأثیرگذار بر تغییر کارکردهای اجتماعی فضاهای شهری با تأکید بر اقتصاد سیاسی و طرح های توسعه (مطالعه موردی: مناطق ۳ و ۱۲ کلان‌شهر تهران)، *جغرافیا و آمایش شهری منطقه‌ای*، ۱۴(۵۰)، ۱-۲۸
- پور جعفر، محمد رضا. (۱۳۸۶). جاودانگی در شهرسازی با نگاهی به شهر رم، *ماهنامه شهرداری ها*، شماره۵۴ ص ۵۱-۵۴

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61882/hafthesar.14.52.53]

- حسنی میان رودی، نسیم، ماجدی، حمید، زرآبادی، زهرا السادات سعیده، و زیاری، یوسفعلی. (۱۳۹۶) واکاوی مفهوم خاطره جمعی و بازیابی آن در فضاهای شهری با رویکرد نشانه شناسی (نمونه موردی میدان حسن آباد)، *باغ نظر*. ۱۴(۵۶):۱۷-۳۲.
- خاتمی، سیدیحیی.(۱۳۹۷). تبیین نقش ابررویدادهای آیینی- فرهنگی بر دگردیسی و ماندگاری فضاهای شهری (مطالعه موردی: رویداد عزاداری اردبیل). *رساله دکتری. دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر*
- خالقیان، سیما، و صالحی، ابوذر. (۱۳۹۸). تأثیر تداوم کارکرد در ماندگاری بافت تاریخی شهر زواره، *فصلنامه مطالعات تاریخ فرهنگی*. ۱۰ (۴۰) :۱-۲۵
- دانایی فرد، حسن، الوانی، سید مهدی، و آذر، عادل. (۱۳۸۷). روش شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع. اشراقی، تهران.
- دانایی فرد، حسن، و امامی، مجتبی. (۱۳۸۶). استراتژی های پژوهش :کیفی تأملی بر نظریه پردازی داده بنیاد، *اندیشه. مدیریت*، ۱ (۲) :۶۹-۹۷
- درفشی، علی. (۱۳۸۶). منظر جاودان. پایان نامه کارشناسی ارشد. *دانشگاه شهید بهشتی*.
- شعاعی، حمیدرضا.(۱۳۹۰). مطالعه تطبیقی علل ماندگاری حسینه های ایران(تهران، ساری، بندرلنگه و نائین)، رساله دکتری. *دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات*.
- شفیعیان داریانی، فائزه، پورجعفر، محمدرضا، و قبادی، علیرضا. (۱۳۹۳). مفهوم ماندگاری در معماری اسلامی و مقایسه ی آن با مفهوم پایداری در معماری معاصر. *پژوهش‌های معماری اسلامی*. ۲ (۴) :۳۲-۴۸
- شیبانی، مهدی، درفشی، علی، و پرهوده، فاطمه. (۱۳۹۲). سنجش چرایی دلبستگی مخاطبان به برخی مناظر و عوامل شکل دهنده آن. *صفه*، -(۶۳)،۴۸-۶۳
- عشایری، طاها، نیازی، محسن، و وثوقی اصل، محسن. (۱۴۰۰). مطالعه ترس از جرم در بین شهروندان اردبیلی. *پژوهش‌های جامعه شناسی*. ۱۵ (۱) :۱۱۱-۱۴۰
- مغربی، شاهد.(۱۳۹۸). تبیین مفهوم ماندگاری در فضای شهری با تاکید بر دگردیسی، پایایی، مورد پژوهی محله ی علی قلی آقا شهر اصفهان. رساله دکتری. *دانشگاه هنر اصفهان*.
- نقره کار، عبدالحمید، حمزه نژاد، مهدی، و آیسان فروزنده. (۱۳۸۸). راز جاودانگی آثار معماری (تحلیلی بر نگرش های نوگرا و فرانوگرا و رویکردهای فراگیرتر) . *باغ نظر*. ۶ (۱۲) :۳۱-۴۴
- Ben-Hamouche, M. (2013). The paradox of urban preservation: Balancing permanence and changeability in old Muslim cities. *Journal of Urbanism: International Research on Placemaking and Urban Sustainability*, *6*(2), 192-212.
- Blake, K. S., & Smith, J. S. (2000). Pueblo Mission Churches as Symbols of Permanence and Identity. *Geographical Review*, *90*(3), 359-380.
- Boussaa, D. (2017). Urban regeneration and the search for identity in historic cities. *Sustainability*, *10*(1), 48.
- Carmona, M. (2019). Principles for public space design, planning to do better. *Urban design international*, *24*(1), 47-59.
- Carmona, M., Heath, T., Tanner, E., & Tisdel, S. (2009). Public places, urban spaces: various dimensions of urban design. *Translated by Fariba Qaraei et al. Tehran: University of Arts Publications*.
- Cho, I. S., Heng, C. K., & Trivic, Z. (2015). Re-framing urban space: urban design for emerging hybrid and high-density conditions. Routledge.
- Corbin, J., & Strauss, A. (2014). *Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory*. Sage publications.
- Corodescu-Roșca, E., Hamdouch, A., & Iațu, C. (2023). Innovation in urban governance and economic resilience. The case of two Romanian regional metropolises: Timișoara and Cluj Napoca. *Cities*, *132*, 104090.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61882/hafthesar.14.52.53]

- Curnier, S. (2022). *Universal Singular: Public Space Design of the Early 21st Century* (p. 272). De Gruyter.
- Derrett, R. (2003). Making sense of how festivals demonstrate a community's sense of place. *Event Management*, *8*(1), 49-58.
- Feola, G., Goodman, M. K., Suzunaga, J., & Soler, J. (2023). Collective memories, place-framing and the politics of imaginary futures in sustainability transitions and transformation. *Geoforum*, *138*, 103668.
- Gamba, F., & Cattacin, S. (2021). Urbans rituals as spaces of memory and belonging: A Geneva case study. *City, culture and society*, *24*, 100385.
- Gürleyen, T. (2018). Memory layers, porosity and montage as representative interfaces of anamnesis and forgetting. *A/Z ITU Journal of the Faculty of Architecture*, *15*(2), 125-135.
- Hussein, F., Stephens, J., & Tiwari, R. (2020). Memory for social sustainability: Recalling cultural memories in Zanqit Alsitat historical street market, Alexandria, Egypt. *Sustainability*, *12*(19), 8141.
- Jiao, L., Wu, Y., Fang, K., & Liu, X. (2023). Typo-morphological approaches for maintaining the sustainability of local traditional culture: A case study of the Damazhan and Xiaomazhan historical area in Guangzhou. *Buildings*, *13*(9), 2351.
- Kaiser, G., & Presmeg, N. (2019). *Compendium for early career researchers in mathematics education* (p. 532). Springer Nature.
- Karimi, K. (2000). Urban conservation and spatial transformation: preserving the fragments or maintaining the 'spatial spirit'. *Urban Design International*, *5*(3), 221-231.
- Kasurinen, J. (2012). Software organizations and test process development. In *Advances in Computers* (Vol. 85, pp. 1-63). Elsevier.
- Kim, M. (2015). The matters of the continuity in architecture. *GSTF Journal of Engineering Technology (JET)*, *3*(3), 27.
- Krzyżanowska, N. (2016). The discourse of counter-monuments: semiotics of material commemoration in contemporary urban spaces. *Social semiotics*, *26*(5), 465-485.
- Laurìa, A., & Vessella, L. (2021). *Small Forgotten Places in the Hearth of Cities: On the residuality of public spaces in historical contexts: Florence as a case study* (p. 156). Firenze University Press.
- Lesiège, M. H. *An Architecture Of Permanence* (Doctoral dissertation, Toronto Metropolitan University).
- Lewicka, M. (2008). Place attachment, place identity, and place memory: Restoring the forgotten city past. *Journal of environmental psychology*, *28*(3), 209-231.
- Madanipour, A., Knierbein, S., & Degros, A. (2013). Public space and the challenges of urban transformation in Europe. In *Public Space and the Challenges of Urban Transformation in Europe* (pp. 183-190). Routledge.
- Mihaila, M. (2012). Urban memory and continuity. *Journal Argument EUIM*, *4*, 307-323.
- Miller, W. (2015). Understanding grounded theory. *Clinical Laboratory Science*, *28*(3), 197-200.
- Moayedi, M., Salehi, S. K., & Kheyroddin, R. (2015). Identification of effective components for creation of rituals in public spaces, promotion of social values and capital. *International Journal of Science, Technology and Society*, *3*(2), 81.
- Motalebi, G., & Sedaghati, A. (2020). Forming a unique identity derived from cultural values hidden in the collective memories of citizens. *International Journal of Human Capital in Urban Management*, *5*(3).
- Mowla, Q. A. (2004). Memory association in place making: understanding an urban space. *Memory*, *9*(52-54).
- Pallasmaa, J. (2016). Inhabiting time. *Architectural Design*, *86*(1), 50-59.
- Paphitis, T. (2020). Haunted landscapes: place, past and presence. *Time and Mind*, *13*(4), 341-349.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61882/hafthesar.14.52.53]

- Rembeza, M., & Sas-Bojarska, A. (2022). The changing nature of in-between spaces in the transformation process of cities. *Urban Planning*, *7*(1), 32-43.
- Stepanchuk, A., Salyakhova, M., & Salyakhova, V. (2021). Preserving identity while reorganizing urban spaces. In *E3S Web of conferences* (Vol. 274, p. 01017). EDP Sciences.
- Stern, A. (2017). Sense of place, sense of self. *Saybrook University*.
- Upadhyaya, M. (2022, February 3). *Modern memorials: 7 moving monuments found across North America*. Architizer Journal. https://architizer.com/blog/inspiration/collections/modern-memorials-north-america/
- Vollstedt, M., & Rezat, S. (2019). An introduction to grounded theory with a special focus on axial coding and the coding paradigm. *Compendium for early career researchers in mathematics education*, *13*(1), 81-100.
- Xie, Y. (2022). Permanence and resilience: The framing role of landscape architecture. *Restructuring Cultural Landscapes in Metropolitan Areas: Characterization, Typology and Design Research*, 29-43.
- Yuen, B. (2005). Searching for place identity in Singapore. *Habitat International*, *29*(2), 197-214.

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]

[DOI: 10.61882/hafthesar.14.52.53]

Rereading the dimensions and components of the timeless urban space based on Grounded Theory Method

Sara Mahmoudian mosleh, *Ph.D. Candidate, Urban Planning Department, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran*
Zahra Sadat Saeideh Zarrabadi*, *Associate Professor, Department of Urban Planning, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)*
Manouchehr Tabibian, *Professor, Department of Urban Planning, Faculty of Fine Arts, University of Tehran, Iran*
Farah Habib, *Professor, Department of Urban Planning, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran*

Received: 2024/5/25 *Accepted: 2024/10/19*

Extended abstract
Introduction: In the face of identity crises and declining quality in contemporary urban spaces, this study investigates the concept of the *timeless urban space* as an enduring, meaningful, and adaptable spatial phenomenon. Unlike ordinary urban environments shaped by fleeting trends or rigid historical preservation, timeless urban spaces integrate cultural memory, spatial continuity, and emotional resonance. While many previous studies have focused on the durability of architectural monuments or the aesthetics of historical spaces, few have explored the multidimensional essence of timelessness in urban design. This research aims to identify and categorize the dimensions, components, and criteria that define timeless urban spaces.
Methodology: This study adopts a qualitative, exploratory–explanatory approach using Grounded Theory Methodology as developed by Glaser and Strauss. The data was gathered through systematic review of literature (books, peer-reviewed articles, and theses), followed by a multi-step coding process (open, axial, and selective). In the open coding phase, 76 concepts were extracted from 131 significant quotations. These concepts were then grouped into 18 components and ultimately into 8 core dimensions: meaning, form, perception, identity, culture, politics, economy, and time. The axial coding organized these dimensions according to Strauss and Corbin's paradigm model, identifying causal conditions, strategies, contextual factors, and consequences.
Results: The findings highlight that timelessness is the result of a holistic balance among spatial, social, cultural, and symbolic factors. Dimensions such as meaning, identity, and continuity emerged as dominant themes in shaping timeless urban space. Other influential components include spiritual expression, collective memory, sense of belonging, presence, flexibility, legibility, accessibility, and material durability. The research also confirms that timelessness entails both temporal continuity and spatial adaptability—embedding emotional, symbolic, and functional values across generations. A key insight is that meaning and identity are not static, but actively constructed through engagement, ritual, and cultural interaction within the urban environment.
Conclusion: A timeless urban space is one that evokes emotional resonance, sustains social and cultural interactions, and adapts to shifting temporal and functional needs. It must support symbolic expression, material resilience, and user presence, while respecting local values and ecological context. Timelessness is neither pure nostalgia nor resistance to change—it is the capacity of urban space to remain relevant and meaningful through time. This study offers a strategic framework for integrating timeless qualities into urban planning and design.
Keywords: Timelessness, Urban Space, Continuity, Identity, Grounded Theory, Sense of Place, Cultural Memory.

* Corresponding Author's E-mail: z.zarabadi@srbiau.ac.ir

[Downloaded from hafthesar.iauh.ac.ir on 2026-11-19]
[DOI: 10.61882/hafthesar.14.52.53]